

## نگاهی به سه دفتر نفیس

## ادبی، عرفانی

## و فلسفی

چکیده: نویسنده در نوشتار حاضر به معرفی سه مجموعه ادبی، عرفانی و فلسفی تصحیح استاد علی محدث اقدام نموده است. اولین مجموعه شامل پانزده منظومه ادبی - عرفانی به فارسی و عربی، سروده پانزده شاعر پارسی، هندی، رومی و تازی است. مجموعه بعدی بیست متن فارسی - عرفانی به پارسی و تازی نام دارد و مجموعه سوم نیز مشتمل بر مناظره مست و فقیه و صوفی همراه با شانزده متن نظم و نثر دیگر در مناظره، وحدت وجود و غیر آن، می باشد. نویسنده در ابتدای نوشتار خویش خاطر نشان ساخته که استاد محدث پیش از شروع هر متن تصحیحی، توضیحاتی درباره پدیدآور، خود اثر و داده های کتابشناختی و نسخه شناسی و نیز احیاناً مشکلات فراروی خود در روند تصحیح متون، ارائه نموده است. همچنین در برخی مقدمه های خود، اطلاعاتی پیرامون فضای فکری و تاریخی اثر و پدیدآور به قلم آورده که نویسنده در نوشتار حاضر به تفصیل از آن نکات تاریخی و علمی سخن گفته است.

کلیدواژه: کتاب پانزده منظومه ادبی - عرفانی به فارسی و عربی، کتاب بیست متن فارسی - عرفانی به پارسی و تازی، کتاب مناظره مست و فقیه و صوفی، علی محدث، معرفی کتاب.

## مقدمه

مصحح دانشمند این سه مجموعه نفیس ادبی، عرفانی و فلسفی، استاد علی محدث، فرزند دانشمند و فرهیخته شادروان دکتر جلال الدین محدث ارموی (د. ۱۳۵۸ ش) است که سال هاست در کشور سوئد، رحل اقامت افکنده و به تدریس و تحقیق در حوزه مطالعات اسلامی و ایرانی، اشتغال دارد. ایشان دارای ده ها تألیف و

پانزده منظومه ادبی - عرفانی به فارسی و عربی | ▼

سروده پانزده شاعر پارسی، هندی، رومی و تازی؛ تدوین، تصحیح و توضیح: علی محدث؛ انتشارات دانشگاه اویسالا، ۱۷+۲۹۴ ص، ۲۰۰۴ م، وزیری.

بیست متن فلسفی - عرفانی به پارسی و تازی؛ ▼

تدوین، تصحیح و توضیح: علی محدث؛ انتشارات دانشگاه اویسالا، ۲۲+۳۶۰ ص، ۲۰۰۸ م، وزیری.

- مناظره مست و فقیه و صوفی همراه با شانزده متن نظم و نثر دیگر در مناظره، وحدت وجود و غیر آن؛ ▼

تدوین، تصحیح و توضیح: علی محدث؛ انتشارات دانشگاه اویسالا، ۱۴+۵۰۴ ص، ۲۰۱۱ م، وزیری.

مقاله در موضوعات ادبی، عرفانی، فلسفی و حدیثی است. از جمله آثار ارزنده که به اهتمام و تلاش ستودنی آن استاد فرزانه از سوی یکی از دانشگاه های مهم و معتبر اروپایی، یعنی دانشگاه اویسالا در سوئد منتشر شده است، می توان به سه مجموعه نفیس مورد گفتگو، اشاره نمود. استاد محدث، نسخه های خطی رساله های درون این سه مجموعه را که بالغ بر پنجاه رساله کهن به نظم و نثر در موضوعات ادبی، عرفانی و فلسفی است، با تحمّل مشقّات و زحمات فراوان، با سفر به کشورهای مختلف، با گزینشی عالمانه، تهیه و با ظرفیتی مثالزدنی، به تصحیح آن رساله ها دست یازیده است که در ادامه گزارشی از آن ها ارائه خواهیم کرد. باید افزود آخرین اثر ایشان فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه اویسالا است که در سال جاری (۲۰۱۲) به چاپ رسیده است.

□ □ □

- پانزده منظومه ادبی - عرفانی به فارسی و عربی: سروده پانزده شاعر پارسی، هندی، رومی و تازی؛ تدوین، تصحیح و توضیح: علی محدث؛ انتشارات دانشگاه اویسالا، ۱۷+۲۹۴ ص، ۲۰۰۴ م، وزیری.

این کتاب، مشتمل بر پانزده منظومه ادبی و عرفانی به زبان های فارسی (۱۲ منظومه) و عربی (۳ منظومه)، سروده پانزده شاعر پارسی، هندی، رومی و عربی است که در این دفتر، تصحیح شده، انتشارات دانشگاه اویسالا در سوئد، آن را منتشر کرده است. باید افزود استاد، پیش از شروع هر متن تصحیحی خود، توضیحات مستوفایی درباره پدیدآور، خود اثر و داده های کتابشناختی و نسخه شناسختی و نیز احیاناً مشکلات فراروی خود در روند تصحیح متون، ارائه نموده است. مصحح دانشمند ما، همچنین در برخی مقدمه های خود،

منتسب بوده است، اما با نظر در برخی ابیات این منظومه، به خصوص در مسائلی همچون اعتقاد به وحدت وجود (بند ۶)، اعتقاد به روز جزا (بند ۶ و ۸)، تبعیت از سلسله علی ثانی (بند ۶)، تحذیر دیگران از تقلید (بند ۸)، تقید به شرع پیامبر (بند ۱۱) و جز آنها، این انتساب، اندکی محلّ تأمل است! در همین راستا مصحح، در آغاز، آگاهی‌های ارزنده‌ای از عقاید پسیخانیان، حروفیان و درویان به دست داده است که با اندکی تلخیص و تصرّف، به بخشی از آنها نظری می‌افکنیم.

عقاید نعیمی و حروفیه، مستقیماً در اعتقادات پسیخانیان و بکتاشیان وارد شده است. شاید بتوان گفت هیچ فرقه‌ای از صوفیان مسلمان، به اندازه حروفیه از مسیحیت متأثر نبوده است. اثر مسیحیت در اصول اعتقادی و مناسک و آداب ایشان، همچون مسئله تثلیث و اقانیم ثلاثه، عشای ربانی، اعتراف به گناه نزد باباها و مانند آنها، کاملاً عیان است. برای یافتن سرچشمه اعتقادات حروفیان، نظر به باورها و معتقدات «دروزیه» (فرقه‌ای منشعب از اسماعیلیه) و ردّ [پای] آنها در باورهای حروفیه و نقطویه، از اهمیت بسزایی برخوردار است. «دروزیه» که با اعتقاد و تمسک به اصل «تقیه» توانسته‌اند در طول هزار سال گذشته موجودیت خود را در کوهستان‌های سوریه و لبنان حفظ نمایند، در کنار اعتقادات خود به مبانی اسلام، تشیع و اسماعیلیه، لایه‌های مختلفی از افکار و عقاید ادیان و نحله‌های دیگر، از جمله فلسفه یونان (خاصه افلاطونی قدیم)، مسیحیت، بودا و مصر باستان را به‌آسانی می‌توان در باورهای آنان مشاهده نمود. البته تأثیر مسیحیت را باید یادگاہ چند قرن تاخت و تاز صلیبیون در سرزمین‌های پیرامون بیت المقدس به شمار آورد. گفتنی است که اعتقاد به الوهیت خلیفه فاطمی، الحاکم بامر الله (۳۷۵-۴۱۱ ق)، اعتقاد به تناسخ، بی‌اعتقادی به روز جزا و بی‌اعتقادی به ادیان گذشته و انبیا از اصول معتقدات درویان است. غرض اینکه افکار حروفیه سابقه طولانی دارد و حداقل ریشه آنها را در اسماعیلیه می‌توان سراغ گرفت.

باید دانست پسیخانیان، فرقه‌ای از صوفیه‌اند که پیروی محمود پسیخانی گیلانی (د. ۸۳۱ ق) از مریدان فضل الله نعیمی (د. ۷۹۶ ق) را می‌کرده‌اند. پسیخانی که به سبب اختلاف نظر با نعیمی از همان ابتدا به «محمود مطرود» شهرت یافت، پس از به قتل رسیدن نعیمی، در سرزمین‌های اسلامی، به موزات اندیشه‌های حروفیه، به انتشار عقاید خود پرداخت و در این راستا کتاب‌ها و رسایل (نامه‌ها و مقالات) متعددی نوشت؛ اما در سال ۸۳۰ ق همزمان با سوء قصد نافرجام فردی از حروفیان، به نام احمد لُر به جان شاهرخ تیموری، حروفیان و پسیخانیان، تحت تعقیب و قتل قرار گرفتند؛ به گونه‌ای که برخی ناپدید شدن پسیخانی در سال ۸۳۱ ق و احتمالاً کشته شدن وی را، بخشی از امواج تصفیّه سیاسی آن روز به شمار آورده‌اند. باری، آخرین تصفیّه خونین پسیخانیان را - که همواره رویکردی مسلحانه

اطلاعات ارزنده‌ای درباره فضای فکری و تاریخی اثر و پدیدآور به قلم آورده است که در مداخل ذیل به تفصیل از آن نکات تاریخی و علمی سخن گفته‌ایم.

#### - محبت نامه، ابن نصح شیرازی (ص ۷-۸۶)

خواجه فضل الله بن نصح شیرازی، شاعری از قرن هشتم هجری است. وی محبت نامه را در سنین پیری در شوال ۷۸۸ ق سرود؛ آن‌گاه که چهار سال از قتل سلطان حسین جلایر می‌گذشت. در آستانه سال ۷۸۸ ق حکومت تبریز در دست امیرولی از گماشتگان سلطان احمد

جلایر بود. تیمور، پسر خود، میرانشاه را پیش از خود به تبریز گسیل داشت و او بلامنازع بر آنجا دست یافت. ابن نصح در آن سال، پس از گذشت همه آن حوادث، محبت نامه خود را به پایان می‌رساند. آیا محبت نامه پاسخ و بازتاب ابن نصح به آن حوادث است؟ باید دانست وی در سرودن آن منظومه از گل و نوروز (سرایش ۷۳۴ ق) همشهری خود، جلال طیب شیرازی

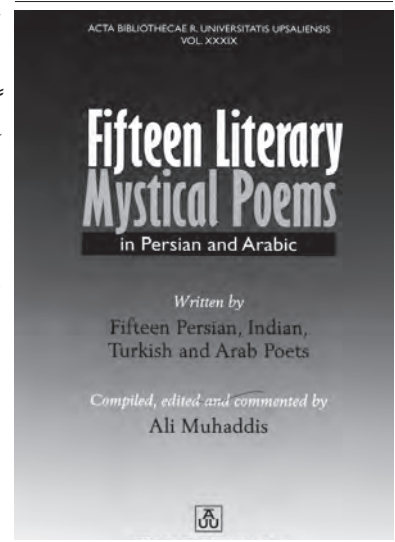
متأثر بوده است. این منظومه مشتمل بر ۱۳۹۲ بیت شعر به زبان فارسی با مضامینی عاشقانه، بر اساس نسخه نورعثمانیه - استانبول به شماره ۳۷۸۳، با کتابت سال ۸۳۵ ق، تصحیح گردیده و در این مجموعه منتشر شده است.

#### - قلندرنامه، امیرحسینی هروی (ص ۸۷-۹۲)

امیررکن الدین حسین بن عالم حسینی هروی، از شعرای قرن هفتم و نیمه نخست سده هشتم هجری (د. ۷۱۸ ق در هرات) است. وی در کارنامه علمی خود آثاری همچون نزهة الارواح، طرب المجالس، زادالمسافرین و کنزالرموز دارد. این منظومه صوفیانه، دارای ۶۳ بیت به زبان فارسی است که بر اساس دو نسخه ایاصوفیا - استانبول به شماره‌های ۲۰۳۲ و ۳۹۷۷ تصحیح و در این مجموعه منتشر شده است.

#### - قلندرنامه، مولانا محمد صوفی آملی پسیخانی (ص ۹۳-۱۲۴)

مولانا محمد صوفی، از معاریف و شعرای سده یازدهم هجری و نیمه نخست سده یازدهم هجری (د. ۱۰۳۵ ق) است. این منظومه نفیس در ۲۲ بند سروده شده است و بر اساس نسخه ایاصوفیا - استانبول، شماره ۲۸۷۳ تصحیح و در این مجموعه منتشر شده است. شاعر مورد گفتگو به لحاظ اعتقادی، به «پسیخانیان» یا همان «نقطویان»،



یا در خور نقل نبود، لذا تنها ۱۰۲۶ بیت آن قابل تصحیح بوده که در این مجموعه، منتشر شده است. باید افزود به مناسبتی (ص ۱۸۶)، در مجموعه دیگر مصحح محترم که با عنوان بیست متن فلسفی - عرفانی به پارسی و تازی (اوپسالا، ۲۰۱۱) معرفی خواهد شد، یادداشتی در توضیح واژه «هارونی» متعلق به این منظومه، ارائه شده است.

- **مخمس، سروده پیر محمد نوشهری رومی (ص ۱۹۵-۲۰۰)**  
منظومه‌ای (= مخمسی) در دوازده بند است. شاعر (نوشهری)، مانند بسیاری، از جمله شیخ بهایی (د. ۱۰۳۱ق) که همت گماشته و در استقبال یا تخمیس یا تضمین غزل مشهور خیالی بخارائی (شاعر سده ۹ق)، با مطلع:

ای تیر غمت را دل عشاق نشانه  
خلقی به تو مشغول و تو غایب زمیانه

ایبائی، سروده‌اند، وی نیز، اشعاری در دوازده بنده سروده است. نسخه‌ای که مصحح محترم در تصحیح اثر، از آن بهره برده است، ضمن مجموعه‌ای نفیس در کتابخانه جامع ایاصوفیا در استانبول به شماره ۴۷۹۲ قرار دارد که بین سال‌های ۸۱۳-۸۱۶ق بخط نسخ اسعد بن احمد بن محمد الکاتب در شیراز، استنساخ شده است. اما منظومه مورد گفتگو در برگ ۷۹۶ آن، به خط شکسته نستعلیق سراینده، با تاریخ تقریبی اواخر سده یازده یا اوایل سده دوازده هجری نگارش یافته است. طبق نوشته مصحح، شاعر از صوفیان سلسله علی ثانی (میرعلی همدانی) است.

- **ساقی‌نامه، از سراینده نظم العقاید (ص ۲۰۱-۲۰۴)**

این ساقی‌نامه سروده ادیبی از حدود بخارا است که همو شرحی منظوم نیز بر عقاید مشهور نجم‌الدین ابوحفص عمرین محمد نسفی (د. ۵۳۷ق)، با نام نظم العقاید دارد که آن را در سال ۱۱۸۸ق به نظم درآورده و این ساقی‌نامه را که به تعبیر دقیق‌تر سوگندنامه اوست، در

ابیات آغازین آن درج نموده است. بنابر نظر مصحح، ناظم منظومه را به نیت تعلیم مبتدیان سروده و کارش روی هم‌رفته در حد اعتناست. مصحح این منظومه را بر پایه نسخه ONov ۴۳۷ کتابخانه دانشگاه اوپسالا (کتابت ۱۲۳۸ق)، تصحیح و در این مجموعه نفیس ادبی - عرفانی، درج نموده است.

داشته‌اند - باید در روزگار شاه عباس اول صفوی (۹۹۶-۱۰۳۸ق) دانست که گفته شده شاه عباس آنها را ریشه‌کن و نابود ساخت. اما به نظر می‌رسد افکار پیسخانیان هرگز از بین نرفت و بلکه امروزه رگه‌هایی از آنها را می‌توان در عقاید بابیه و بهائیه جستجو نمود؛ حتی می‌گویند در اویش خاکساریه بر همین عقیده‌اند، اما اندیشه‌های خود را آشکار نمی‌نمایند! به هر تقدیر، باید افزود در باب پیسخانیان کار نشده هنوز فراوان است؛ از جمله آنها، بررسی اسئله و اجوبه مجلسی و دیگر فقهای عهد صفوی، خصوصاً دوره شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ق) تا شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق)، یعنی شیخ بهایی (د. ۱۰۳۱ق) تا [علامه] محمدباقر مجلسی (د. ۱۱۱۰ق) است؛ زیرا به یقین در آثار ایشان فتاوی‌ای درباره پیسخانیان می‌توان یافت و اگر چنین فتاوی‌ی یافت شود، آغازی برای پژوهش‌های بعدی خواهد بود.

- **گزیده‌ای از دیوان حیدر هروی (ص ۱۲۵-۱۴۲)**

حیدر هروی مشهور به کلوجه‌پژ، از شاعران اواخر سده نهم و نیمه نخست سده دهم هجری است. غالب تذکره‌نویسان وی را عامی لقب داده‌اند؛ تا حدی که معنی اشعار خود را نمی‌فهمیده است! اما مصحح این اثر منظوم بر این باور است که با نظر به گزیده غزل‌های وی در این مجموعه، ملاحظه خواهد شد که شاعری با چنین لطف و بیان، بسیار بعید می‌نماید بی‌سواد بوده و معنی اشعار خود را نفهمد... مصحح محترم سپس برای یافتن سرچشمه این نسبت یا اتهام از مجالس‌النفائس نوایی مطلبی نقل می‌کند که درخور توجه و بررسی است. گفتنی است در این منظومه، چهل غزل و یک قطعه شامل ۲۴۰ بیت با استفاده از نسخه ONov ۳۸۹ کتابخانه دانشگاه اوپسالا، انتخاب، تصحیح و در این مجموعه نفیس منتشر شده است.

- **هدیه راز، سروده شاعری صوفی از قصبه نوساری هند (ص ۱۴۳-۱۹۴)**

این منظومه در وصف مشایخ تصوف در هند، معابد و مراقد ایشان است که شاعر آن را هنگامی که به شدت بیمار بوده، نذر می‌کند چنان‌که از آن بهبودی یابد، منظومه‌ای در وصف پاکان بسراید و چون بهبودی یافته است، هدیه راز را طی سه تا چهار سال، بین سال‌های ۱۱۳۲-۱۱۳۵ق سروده است. باید افزود ناظم اثر، به سبب افتادگی آغاز و انجام نسخه، دقیقاً مورد شناسایی قرار نگرفت، اما بنابر حدس مصحح محترم (ص ۱۸۰) باید نامش «محمد صالح» باشد. بر پایه داده‌های برخی ابیات، شاعر، اهل نوسار هند است که یادآور نخستین هجرت‌گاه ایرانیان زرتشتی است. بنابر تصریح مصحح، تعداد ابیات این منظومه در اصل، شاید بالغ بر ۲۰۰۰ بیت بوده است، اما به سبب افتادگی‌های آغاز و انجام نسخه ONov ۵۲۳ کتابخانه دانشگاه اوپسالا، به حدود ۱۴۷۴ بیت کاهش یافته است و از آنجا که به سبب آفت‌های شدید نسخه، برخی ابیات نیز قابل خوانش



**پند افلاطون به ارسطو، سروده مجد خوافی (ص ۲۰۵-۲۱۰)**

پندنامه افلاطون از قدیم بسیار معروف بوده و در آخر اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی هم آمده است. مجد خوافی - که از واعظان سده هشتم هجری است - گویا اصل دیگری در اختیار داشته، و از مقایسه دو متن می‌توان اذعان داشت وی متن موجود در اخلاق ناصری را منظوم نساخته است. این منظومه در ۲۳ بیت با استفاده از نسخه عاطف افندی در استانبول به شماره ۲۲۵۷ (کتابت سده ۱۱ق)، تصحیح شده است.

**پندنامه انوشیروان، از سراینده‌ای ناشناخته (ص ۲۱۱-۲۲۲)**

پندنامه انوشیروان، از جمله انبوه پندنامه‌های ایران باستان است که به نام انوشیروان یا بزرگمهر تألیف شده و بعدها به عربی و فارسی ترجمه گشته است. این پندنامه در ۱۰۱ پند و ۱۰۸ بیت سروده شده است. نیز بر اساس نسخه جامع ایاصوفیا در استانبول به شماره ۳۷۸۰ تصحیح و در این مجموعه منتشر شده است.

**پندنامه الهیار صوفی سمرقندی (ص ۲۲۳-۲۳۰)**

اصل الهیار صوفی (د. ۱۱۳۳ق) را از میان‌کان، از توابع سمرقند دانسته‌اند که پس از مدتی خدمت شاهان عصر در بخارا، به جرگه نقشبندیان پیوسته، دست بیعت به شیخ نوروز مرشد داده است. منظومه مورد گفتگو، مشتمل بر ششصد بیت بوده است که به سبب وجود اغلاط و مشکلات خوانش نسخه دانشگاه اوپسالا به شماره Onov ۳۹۵ (کتابت سده ۱۳ق)، گویا تنها ۶۱ بیت آن قابل تصحیح و انتشار بوده است. طبق توضیح مصحح، در آغاز نسخه یادشده، قصیده‌ای در ۲۵ بیت از شاعری متخلص به «شیدا» در ماده تاریخ شهادت یکی از عرفا در سال ۱۱۵۱ق بوده است که مصحح، آن را نیز در آغاز منظومه (ص ۲۲۶-۲۲۷) ذکر کرده است.

**مخزن رموز، نصرالله بن حسن نافجی [حروفی] (ص ۲۳۱-۲۴۱)**

نصرالله نافجی، از اصحاب فضل‌الله نعیمی، مؤسس فرقه حروفیه است که افزون بر این رساله، کتابی نیز به نام «خواب‌نامه» نوشته و در آن به جزئیاتی از زندگی و احوال نعیمی پرداخته است. منظومه مورد گفتگو (مخزن رموز) نیز یک مأخذ مهم و دست اول در تفسیر عقاید و اندیشه‌های حروفیه است که مطالب آن با تمثیل درآمیخته و با خطاب به ساقی، رمزی از رموز حروفیه را آشکار ساخته است. این منظومه که در قالب مثنوی در سال ۸۲۵ق سروده شده است، دارای ۲۰۷۴ بیت، بدون تبویب و فصلبندی مشخص است که مصحح برای آشنایی خواننده با اشعار و سبک شعری نافجی، ۱۷۲ بیت آن را از روی نسخه ۱۶۴۴ (کتابت ۹۹۳ق) موجود در کتابخانه موزه مولانا در قونیه - ترکیه، تصحیح و منتشر ساخته است.

**کترنامه، تألیف بایزید گیلانی و نظم جلال سافر شاه****(ص ۲۴۲-۲۴۴)**

بایزید گیلانی، یکی از دانشمندان قرن یازدهم هجری حروفی است که دارای تألیفات، از جمله رساله عربی المسلك المحمدی الفضل اللهی است که ابتدا آن را به فارسی سپس به عربی ترجمه نموده است و تاریخ تألیف و دعای ذیل آن «لازال ارشاده علی الطالبین الواهلین السالکین الناسکین فائضاً الی یوم الدین»، نشان می‌دهد وی در سال ۹۹۴ق در قید حیات و بر مسند ارشاد بوده است. اثر دیگری کتاب نثری کترنامه است که در آن بحث‌هایی در اعداد و رموز آنها بر اساس مذهب حروفی آمده است. این اثر همزمان از سوی فردی - که وی نیز باید حروفی معاصر ماتن بوده باشد - با نام جلال سافر شاه در ۱۰۷ بیت انتخاب و به نظم درآمده است و البته کتاب نسخه (پایدار همدانی) که گرایش حروفی وی نیز محتمل است، شانزده بیت نیز در انجام نسخه، بر آن افزوده است. باید افزود نسخه‌ای از دو تألیف یادشده بایزید گیلانی، در ضمن مجموعه پیش‌گفته (شماره ۱۶۴۴ موزه مولانا) موجود است. مصحح، برای آگاهی خواننده از متن اثر و نیز آشنایی با سبک شعری ناظم (سافر شاه) شانزده بیت از ابیات مذکور را برای نمونه، به انضمام چند بیتی از اشعار پایدار همدانی، تصحیح کرده، در این کتاب منتشر ساخته است.

**القصیده التائیه فی تبیین اعتقادات الحروفیه، سروده ناشناخته****(ص ۲۴۵-۲۵۶)**

قصیده‌ای نسبتاً مفصل به زبان عربی در تبیین باورهای حروفیه، از شاعری ناشناخته (زنده ۹۹۴ق) است که ناظم آن را به پیروی از تائیه (= نظم السلوک) ابن فارض (د. ۶۳۲ق) سروده و به یکی از بزرگان حروفیه به نام عبدالکریم گیلانی (زنده ۹۹۴ق) تقدیم داشته است. باید دانست بخشی از این قصیده مفصل، مشتمل بر ۲۸۰ بیت، ضمن مجموعه پیش‌گفته (شماره ۱۶۴۴ موزه مولانا در قونیه) آمده است و به سبب افتادگی‌های زیاد از انجام نسخه، بخش‌های قابل توجهی از این قصیده، شوربختانه، به دست ما نرسیده است و مصحح ۱۴۶ بیت قصیده را که قابل خوانش بوده، تصحیح نموده و در این مجموعه ارزشمند به چاپ رسانده است.

**تخمیس الخمریه، از کمال پاشازاده رومی (ص ۲۵۷-۲۷۰)**

تخمیس قصیده خمریه ابن فارض مصری (د. ۶۳۲ق) است که شیخ الاسلام ابن کمال پاشا (د. ۹۴۰ق) در ۴۱ بند آن را سروده است و آن، یکی از ده‌ها شروع قصیده مشهور خمریه است. این شرح عربی، بر اساس نسخه شماره O Onov ۵۴۸ کتابخانه دانشگاه اوپسالا و نسخه شماره ۳۳۹ مجموعه حالت افندی در کتابخانه سلیمانیه - استانبول، تصحیح و همراه توضیحات و نکات ارزنده مصحح در هامش، منتشر شده است. مصحح محترم به مناسبت اشاره به



از سقوط فاطمیان در مصر قدرت را به چنگ گرفتند. وسعت انتشار اعتقاد به «مهدی» - که آن روی سکه گسترش انتشار ظلم بود - در همه اقطار اسلامی، خصوصاً در شمال افریقا که هر چند گاه مدعی یا سلسله جدیدی به نام «مهدی» ظهوری می‌کرد و مورد استقبال مردم نیز قرار می‌گرفت، به علاوه خود فاطمیان که با نام «مهدی» آغاز کردند و از آن ملموس تر دولت موحدین که درست بیخ گوش مصر [در اندلس و سواحلی شمالی افریقا] توسط [ابوعبدالله] محمد بن تومرت با لقب «مهدی» (د. ۵۲۲ق) در سال ۵۱۵ق بنیادگذاری شده و تا سال ۶۶۷ق سرپا بوده است و یک خطر جدی و واقعی برای دولت‌های مصر محسوب می‌شده است [و این مسئله] حکایت از آن می‌کند که زمینه استقبال از شهور «مهدی» در مصر فراهم بوده [است] و کلمه «مهدی» تهدیدی برای موجودیت دولت‌های حاکم بر مصر به شمار می‌رفته است. پس دیرینی، سراینده قصیده حاضر، برای پرهیز از عواقب سیاسی، ترجیح داده که نام «مهدی» را در قصیده نیارد و به ذکر نام «عیسی» و «دجال» بسنده کند.

پایان سخن در معرفی کتاب ارزنده پانزده منظومه ادبی - عرفانی به فارسی و عربی، سروده پانزده شاعر پارسی، هندی، رومی و تازی، اینکه: در آغاز کتاب، پس از برگی، در برگینده فهرست آخرین انتشارات دانشگاه اوپسالا (تا سال ۲۰۰۴م)، نگارش اولف گورانسون (Ulf Göranson)، شناسنامه کتاب (ص ۱)، تشکر از فرزند مصحح (جلال محدث) به سبب حل مشکلات رایانه‌ای در روند تصحیح (ص ۲) و فهرست منظومه‌ها (ص ۳) آمده است؛ سپس مصحح دانشمند اثر، در پیش‌گفتاری کوتاه، به معرفی دانشگاه اوپسالا و کتابخانه آن و همچنین نسخ خطی فارسی این گنجینه ارزشمند ترائی پرداخته است. ایشان ضمن وعده انتشار دفتر دوم همین مجموعه، مشتمل بر تصحیح چند رساله منشور، همچنین وعده‌ای به اثر دیگر در حال تنظیم و نگارش خود داده که به زودی با عنوان فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه اوپسالا در سوئد، منتشر خواهد شد.

باید افزود: در صفحات پایانی کتاب، چند نمایه با عنوان کلی «فهرست‌ها» (ص ۲۸۱-۲۸۹) آمده است که شامل پنج نمایه: ۱. نمایه لغات و ترکیبات (ص ۲۸۱-۲۸۷)؛ ۲. نمایه امثال و اصطلاحات (ص ۲۸۷-۲۸۸)؛ ۳. نمایه آیات قرآن (ص ۲۸۸-۲۸۹)؛ ۴. نمایه احادیث (ص ۲۸۹)؛ ۵. نمایه کلمات و شطحات صوفیان (ص ۲۸۹) است. فهرست منابع نیز در «ص ۲۹۱-۲۹۴» درج شده که در آن داده‌های کتابشناختی حدود نود منبع و مصدر، به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی (عثمانی)، انگلیسی، ترکی (استانبولی)، آلمانی و سوئدی، آمده که در تصحیح این مجموعه از آنها استفاده شده

نسخه‌ای دیگر از این تخمیس در موزه ملی عراق در بغداد، در ذیل آن، اشاره‌ای عبرت‌افزا به حوادث سیاسی روز (ایام تصحیح این متن ۱۳۸۲) داشته‌اند که به نظر می‌رسد نقل آن در این نوشتار، خالی از لطف نبوده باشد:

اما بر حسب اخبار و حوادثی که این روزها در جریان است، سربازان آمریکایی و انگلیسی بیش از دو هفته، پیشرفته‌ترین بمب‌ها و موشک‌های مرگبار خود را بر سر مردم عراق ریختند و پس از کشتار بی‌رحمانه مردم عراق و بغداد، کتابخانه ملی بغداد را آتش زدند و موزه آن شهر را به باد غارت دادند. آتش سوزی و چپاول یاد شده را تلویزیون‌ها حدود ده روز نشان دادند؛ بنابراین اگر نسخه یاده شده پس از این حوادث در بغداد نباشد، عجب نیست (شروع حمله به عراق ۲۱ مارس ۲۰۰۳ / اول فروردین ۱۳۸۲).

- **قلادة الدرّ المنثور، از عبدالعزیز دیرینی مصری (ص ۲۷۱-۲۸۰)**  
عبدالعزیز دیرینی، از دانشمندان صوفی شافعی (د. ۶۹۴ق) است که زادگاهش و خاکجایش مصر است. بنابر عبارات مصحح دانشمند این قصیده در مقدمه متن تصحیحی این قصیده لطیف اساساً برگرفته از آیات قرآن کریم و احادیث شریف است و در این مجموعه تنها، نظر به فواید تاریخی و جنبه‌های ادبی آن، تصحیح شده است؛ نه به لحاظ نقد احادیث آن. هر چند وجود روایات مجعولی همچون «اصحابی کالنجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم»، مذکور در بیت ۵ قصیده، در سده هفتم هجری به دیده قبول و اغماض ساده‌اندیشانی چون عبدالعزیز دیرینی بوده است، گمان نمی‌رود امروزه پژوهشگری در وضوح بطلان آنها تردیدی نماید. هم‌در ادامه به نکته‌ای نغز، پراهمیت و قابل تأمل در این قصیده اشاره کرده، با نگاهی تحلیلی می‌افزاید:

آنسان که با متون کهن اسلامی و مآخذ دینی (سنی و شیعی) آشنایی دارند، می‌دانند که هر گاه در کلام قدما بحث از آخرالزمان پیش آمده، حلقه اصلی سخن «مهدی» است و عدالتی که او خواهد گسترد و قراین و علائم دیگری که در آن باب یاد شده، همه مقدمات یا توابع همان است. چنان‌که می‌دانیم عبدالعزیز دیرینی سراینده قصیده حاضر ادیبی آگاه از دانش‌های دینی بوده و بر کتب حدیث تسلط داشته است؛ با این حال عجیب است که در قصیده حاضر، سخنی از «مهدی» نگفته و به سکوت کامل برگذا کرده است.

همو ادامه می‌دهد:

جواب را باید از اوضاع سیاسی زمان جستجو کرد. زندگی ۸۲ ساله دیرینی در مصر، هم‌زمان بود با حکومت ایوبیان (۵۶۴-۶۴۸ق) و ممالیک بحری (۶۴۸-۷۸۴ق) که درست پس

در این اثر نفیس بیست متن فلسفی و عرفانی به زبان‌های فارسی (یازده متن) و عربی (نه متن) به نظم و نثر با تصحیح استاد دکتر علی محدّث، در این مجموعه نفیس به چاپ رسیده است. البته بنا به نوشته مصحح، ابتدا قرار بر این بود که این مجلد از کتاب تنها، به متون نشری اختصاص یابد، اما به دلایلی، چند دفتر منظوم جامانده از دفتر پیشین نیز در این مجلد گنجانده شده است. بنا به تصریح مصحح، گرچه موضوعات این رسایل خطی، عرفان، فلسفه یا حدیث است، اما آنچه در انتخاب این متون، مد نظر مصحح بوده، بیشتر به لحاظ «جنبه‌های ادبی آنها» بوده است. باید دانست براساس یادداشت مصحح برخی رساله‌های این دفتر (ص ۱۹۸)، قرار بود در مرکز خراسان‌شناسی در مشهد، منتشر گردد که به سبب مأموریت استاد محمدجعفر یاحقی، وعده انتشار آنها در ایران با تغییر سیاست مدیران جدید مرکز، به محاق افتاد!

#### - فتوت‌نامه خواجه عبدالله انصاری (ص ۷-۳۴)

خواجه عبدالله انصاری هروی، فقیه، دانشمند و ادیب صوفی (د. ۴۸۱ق) مقتدای مذهبی و پیر طریقتی گروهی صوفی در هرات بوده است و طبیعتاً افکار و گفتار و کردار او در هرات آن روزگار منشأ جزر و مدهایی نیز می‌شده است. بهره‌مندی گسترده از دانش دین و فراست‌های وی، هنرهایی بودند که او را به شخصیتی مانا در تاریخ و تمدن ایرانی بدل ساخت. خواجه مرشدی بود که امور مادی زندگی روزمره معاصران را رفع و رجوع می‌نمود. شخصیتی که بیشتر مرجع حلّ و فصل امور مردم باشد، هر قدر هم دانشمند بزرگی باشد، غالباً برای تألیف و تصنیف، نمی‌تواند فرصتی مهیا سازد؛ لذا بسیاری از آثار خواجه در اصل امالی یا مجالس او بوده است که مریدان وی گردآوری کرده‌اند؛ از آن جمله تفسیر کشف‌الاسرار، طبقات‌الصوفیه و همین فتوت‌نامه است. باید دانست در میان آثار خواجه، منازل‌الساثرین بیشترین توفیق و شهرت را یافت و در رمز شهرت آن همین بس که زمره‌ای از دانشمندان و عرفا از روزگاران پس از خواجه، به نحو متعددی، به عربی و فارسی آن را شرح کرده‌اند. بی‌تردید بخش اعظمی از شهرت و نفوذ اندیشه و کلام خواجه را باید در اثر کلام شیرین، جذاب و منطقی نیرومند او جستجو نمود. نثر شیوای او، چه در آنچه در مجالس به زبان رانده و چه آنچه در رسائل و کتب خود نوشته است، از این ویژگی برخوردار است. برخی در صحت نسبت فتوت‌نامه مورد گفتگو به خواجه، تردید کرده‌اند؛ اما مقایسه آن با متن منازل‌الساثرین و نیز مطابقت روش املاء، تقریر و سبک انشائی آن با طبقات‌الصوفیه وی، راه هرگونه شک و شبهه را در انتساب قطعی اثر به خواجه عبدالله انصاری می‌بندد. گفتنی است تصحیح اثر بر اساس نسخه کهن شماره ۲۰۴۹ کتابخانه جامع ایاصوفیا در استانبول صورت گرفته و در این مجموعه ارزشمند منتشر شده است.



است. در بخش لاتین نیز، پس از درج سلسله انتشارات دانشگاه اوپسالا با عنوان سی و نهمین مجلد (Vol. XXXIX) منتشر شده از سوی این ناشر (ص ۱)، شناسنامه اثر (ص ۳) و فهرست متون تصحیح شده در این مجموعه (ص ۵) آمده است. مصحح ضمن درج مینیاتوری از نسخه‌ای از شاهنامه فردوسی به شماره Cels ۱، کتابخانه دانشگاه اوپسالا (ص ۶-۷)، از پروفیسور اولف گورانسون (Ulf Göranson)، رئیس کتابخانه یادشده و دکتر ویوه سا هالدین نوربرگ (Viveca Haldin Norberg)، رئیس دپارتمان نسخ خطی و موسیقی کتابخانه دانشگاه اوپسالا و همکارانشان در بخش‌های تابعه (ص ۷) نیز قدردانی ویژه نموده است. مصحح در ادامه یک مقدمه به زبان انگلیسی درباره منظومه‌های تصحیح شده در این مجموعه (pp. ۹-۱۵)، درج کرده است.

باید افزود: صفحه پایانی بخش لاتین (ص ۱۷) نیز به نکات توضیحی یودیث یوزفسون (Judith Josephson) اختصاص دارد که در آن نوشتار، درباره دو پندنامه با اصل ایران باستان (زبان پهلوی) مندرج در این مجموعه نفیس، گزارش مختصری آمده است.

□ □ □

- بیست متن فلسفی - عرفانی به پارسی و تازی؛ تدوین، تصحیح و توضیح: علی محدّث؛ سوئد: انتشارات دانشگاه اوپسالا، ۲۰۰۸م، ص ۲۲۰۰۸، وزیر.

خود بر اثر (ص ۷۴-۷۸) گزارشی از ابوالمفاخر باخرزی و مآخذ وی در تألیف اثر ارائه نموده و در کنار آن، احیاناً به چند نکته اصلاحی درباره نسخ خطی و چاپی آن اثر نیز پرداخته است و در انجام اثر نیز فهرستی از اصطلاحات صوفیانه شرح شده در اثر را آورده است.

- آداب درویشی، از کمال الدین حاجی محمد خوشانی (ص ۱۰۱-۱۲۰)

شیخ حاجی محمد خوشانی، مشهور به مخدوم اعظم و متخلص به «حاجی» (د. ۹۳۸ق)، از مشایخ صوفیه (کبرویه ذهبیه) ساکن ماوراءالنهر (بیشتر منطقه خوارزم) است و برخی وی را از مشایخ نوربخشیه نیز دانسته اند که طریقت وی با چهار واسطه به میرعلی همدانی می‌رسد. باید دانست از خوشانی سه اثر می‌شناسیم: دیوان شعر او به فارسی، دو مکتوب و رساله مورد گفتگو آداب درویشی. اثر اخیر متنی منثور در تصوف است که طی دو فصل، در سال ۹۱۴ق تألیف شده است. این اثر بر اساس یگانه نسخه خطی کتابخانه لالا اسماعیل به شماره ۱۳۹ در استانبول تصحیح شده و در مجموعه نفیس بیست متن فلسفی - عرفانی، به چاپ رسیده است.

- مکتوب امین الدین کازرونی (ص ۱۲۱-۱۲۴)

شیخ امین الدین کازرونی از عرفای سده ۸هـ (د. ۷۴۵ق در کازرون) است که در زمان شاه شجاع، منصب شیخ الاسلامی فارس را عهده دار بوده است. رساله مورد گفتگو، عنوان مکتوبی به فارسی است که شیخ امین الدین آن را به درویش علی بن حاجی رشید در موضوع تصوف نوشته است. این اثر بر اساس نسخه خطی شماره ۴۷۹۲ (کتابت ۸۱۶ق) موجود در کتابخانه ایاصوفیا در استانبول تصحیح شده و ضمن این مجموعه نفیس منتشر گشته است.

- اندرزنامه محمود بن فضل (ص ۱۲۵-۱۳۲)

محمود بن فضل، به احتمال زیاد از دانشمندان و عارفان سده هشتم هجری است که بر اساس شواهد بایستی پیش از ۸۱۶ق درگذشته باشد. اندرزنامه وی، یکی از نمونه‌های خوب نثر فارسی در حدود سده هشتم هجری و یادآور نوشته‌های خواجه عبدالله انصاری است که به نظر می‌رسد از آنها نیز به سبب ادبی بلیغ‌تر و به لحاظ محتوایی

- دیوان حسن شمشیری (ص ۳۵-۴۴)

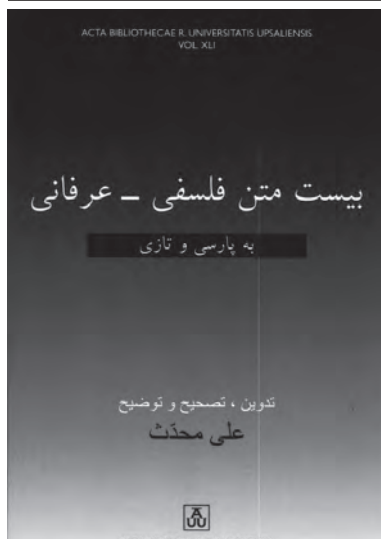
مولانا حسن شمشیری از مشایخ صوفیه سده هشتم است. از وی در تذکره‌ها و دیگر منابع، گزارشی از احوال وی منتشر نشده است، اما از برخی عبارات کتاب شاگردش عید عاشق خوشابی با عنوان بلاغۃ المراد (تألیف ۷۱۹ق در نهاوند) برمی‌آید که او در سال تألیف اثر (۷۱۹ق) در قید حیات بوده است و از آنجا که در تاریخ کتابت نسخه (۷۳۸ق) نیز کتاب از شمشیری با «ترحم» یاد می‌کند، دانسته می‌شود که وی پیش از سال ۷۳۸ق درگذشته است. آنچه از اشعار وی در مورد شمشیری می‌توان استنباط نمود، این است که وی به وحدت وجود معتقد و طرفدار سماع بوده است. باید دانست که این منظومه ۱۰۲ بیت دارد که بر اساس ۶۶۵ حُسنی پاشا (مجموعه) موجود در کتابخانه سلیمانیه - استانبول، تصحیح و در این مجموعه منتشر شده است.

- دیوان عید عاشق خوشانی (ص ۴۵-۷۰)

عید عاشق، عارفی دانشمند و شاعر بوده است که در اواخر سده هفتم و نیمه نخست سده هشتم هجری می‌زیسته و تخلص شعری وی نیز جشنی بوده است. تألیفاتی همچون بلاغۃ المراد فی طریق الأورداد در تصوف به نثر فارسی همراه با اشعار فراوان در ده باب که در سال ۷۱۹ق در شهر نهاوند تألیف شده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه سلیمانیه در استانبول موجود است و تا کنون چاپ نشده است و کفایة السالکین که در میان اثر مورد گفتگو (برگ ۳۱ ب) به آن اشاره داشته است، از جمله آثار اوست. سومین اثر وی، دیوان شعر اوست با ۱۸۹ بیت شعر که بر اساس همان نسخه پیش‌گفته (۶۶۵ حُسنی پاشا) تصحیح و در همین مجموعه نفیس منتشر شده است. باید افزود از اشعار وی، اعتقاد به وحدت وجود و طرفداری از سماع و مذهب اهل سنت وی قابل فهم است.

- منتخب آداب سماع، از یحیی باخرزی، انتخاب ادیبی دیگر (ص ۷۱-۱۰۰)

ابوالمفاخر یحیی باخرزی (د. ۷۳۶ق) از نوادگان سیف الدین باخرزی، صوفی نامدار سده هفتم هجری بخارا است. ابوالمفاخر نیز همانند جدش، از صوفیان دانشمند است که مدتی در شهر کرمان و سپس در بخارا اقامت گزیده است. از جمله آثار وی می‌توان به أورداد الأحباب و فصوص الآداب اشاره نمود که درباره اذکار و اورداد صوفیانه نوشته شده است. رساله مورد گفتگو، گزیده‌ای از فص آداب السماع همین کتاب أورداد الأحباب باخرزی است که فردی ناشناس آنها را انتخاب کرده است. این اثر بر اساس نسخه کهن منحصر به فرد شماره ۴۷۹۲ کتابخانه ایاصوفیا در استانبول (برگ‌های ۶۲۸-۶۳۴) تصحیح شده و در این مجموعه نفیس با عنوان منتخب آداب سماع منتشر شده است. باید افزود مصحح محترم در مقدمه





ورود به تصوف به طریقه قادریه پیوسته است. وی همچنین مؤسس نعمت‌اللهیه نیز هست که گفته شده به سبب اعتدال در طریقت، تا به امروز باقی است. مصحح محترم این اعتقادنامه - که متن آن نشان می‌دهد شاه نعمت‌الله ولی سنی و حنفی مذهب بوده است - در مقدمه، دلایلی وافی و کافی در تسنن وی آورده و نیز به نکاتی مهم در راز بقای فرقه نعمت‌اللهیه اشاره کرده‌اند که در خور توجه و بررسی است. ایشان در بخشی از عبارات خویش در سبب بقای این فرقه آورده‌اند:

نعمه الله ولی مؤسس فرقه، خود شخصی فاضل و درس خوانده و... استاد دیده بوده است؛ پس فرقه خود را بر اساس دانش بنیادگذاری کرده است... نعمت‌الله میانه‌روی را در سلوک خود، چه در اندیشه و چه در عمل رعایت می‌کرده است... و شاید یکی از مهم‌ترین علل بقای فرقه دیدگاه سیاسی آن بوده است [همچنان‌که] در آخر همین رساله... سخن از امر به معروف به میان آورده، در آنجا می‌گوید شرط امر به معروف آن است که «مؤدی نشود به فتنه‌ای»، و [به نظر می‌رسد] راز بقای این فرقه همین است؛ معنی آن اینکه پیروان نعمه‌الله اجازه ندارند بر ضد ظلمه و حکومت‌ها و دولت‌ها، هرچند ظالم و ستم‌پیشه باشند، مخالفت کنند؛ چه به گفتار و چه به کردار؛ زیرا «مؤدی به فتنه» خواهد شد و این دیدگاه چیزی نیست جز اعتقاد یک حنفی که اطاعت از اولوالأمر را واجب می‌داند. پس حکومت‌ها مخالفتی با چنین فرقه‌ای نمی‌ورزند و ای بسا در پروار کردن آن کوششی هم به عمل آورند.

باید افزود: از وی تألیفات پرشماری برجای مانده است که از آن جمله همین اعتقادنامه مورد گفتگوی اوست که در منابع و فهارس گاه از آن با نام راه اهل سنت گاهی نیز با عنوان تحقیق الاسلام یاد شده است. مصحح این متن راتنها بر اساس دستنویس نفیس شماره ۴۷۹۲ (کتابت ۸۱۶ در زمان حیات مؤلف) موجود در کتابخانه ایاصوفیا در استانبول تصحیح نموده و در این مجموعه ارزنده به چاپ رسانده است.

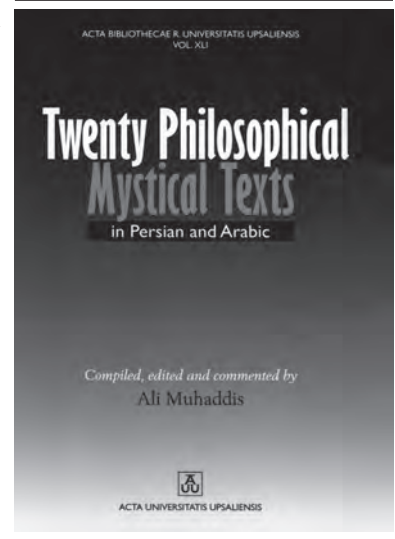
- فرقه‌های متصوفه (فارسی)، نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی (ص ۱۷۹-۱۸۸)

- فرق المتصوفه (عربی)، نجم‌الدین عمر بن محمد النسفی (ص ۱۸۹-۱۹۴)

نجم‌الدین عمر نسفی از دانشمندان پرکار سده ششم هجری (د. ۵۳۷ق) اهل سنت است و در مصادر تا ۵۵۰ تألیف برای وی ذکر نموده‌اند. یکی از مؤلفات وی، همین اثر مورد گفتگو، یعنی رساله‌التصوف یا فرق‌المتصوفه با عنوان فارسی فرقه‌های متصوفه است که در انتقاد از برخی فرق صوفیه زمان نسفی نوشته شده است. البته باید توجه داشت این اثر در برخی مصادر ما به محقق اردبیلی (د. ۹۹۳ق) و حتی به شیخ بهائی (د. ۱۰۳۱ق) نیز نسبت داده شده است! از عبارات

عمیق‌تر بوده باشد. این اثر نیز بر اساس دستنویس شماره ۴۷۹۲ (کتابت ۸۱۶ق) موجود در کتابخانه ایاصوفیا در استانبول تصحیح شده و در این مجموعه به چاپ رسیده است.

معتقد، از ابو عبدالله محمد بن الخفیف شیرازی (ص ۱۳۳-۱۵۰) ابو عبدالله محمد بن الخفیف شافعی شیرازی مشهور به شیخ کبیر (د. ۳۷۱ق) از مشایخ صوفیه و مؤسس طریقه خفیفیه بوده است. از وی تألیفات متعددی برجای مانده که از آن جمله آداب‌المریدین و رساله معتقد اوست که در چهار فصل تنظیم شده است. از احوال زین‌الدین نائینی، مترجم همین معتقد، آگاهی بیشتری در دست نیست، جز اینکه گویا وی از ادبای سده ششم هجری بوده است. باید افزود این اعتقادنامه صوفیانه بر اساس نسخه شماره ۴۷۹۲ (کتابت ۸۱۶ق) موجود در کتابخانه ایاصوفیا در استانبول تصحیح گردیده و در ضمن این مجموعه منتشر شده است.



- معتقد، از ابواسحاق ابراهیم بن محمد اسفراینی (ص ۱۵۱-۱۷۸) ابواسحاق اسفراینی مشهور به استاد (د. ۴۱۸ق) از متکلمان سده پنجم هجری در خراسان بوده است. گفته شده صاحب بن عباد، وزیر معروف دیالمه، برای وی اهمیت خاصی قائل بوده است. اسفراینی تألیفات متعددی دارد که از آن جمله کتاب نورالعین فی مشهد الحسین (ع) و رساله مورد گفتگوست که حاجی خلیفه در کشف‌الظنون (ج ۲، ص ۱۱۵۷) از آن با عنوان عقیده‌الاستاذ ابی اسحاق یاد نموده است. این رساله در سه فصل تنظیم شده و مترجمی ناشناس، ترجیحاً بین قرن شش تا نیمه نخست قرن هشتم هجری آن را به فارسی برگردانده است. اعتقادنامه حاضر بر اساس نسخه شماره ۲۷۰۳ (برگ‌های ۲۶-۲۸) کتابخانه شهید علی پاشا در استانبول (کتابت ۷۸۹ق)، تصحیح گردیده و در ضمن این مجموعه نفیس منتشر شده است.

- معتقد، از شاه نعمه‌الله ولی (ص ۱۶۵-۱۷۸) سید نورالدین نعمت‌الله بن عبدالله، حلبی کوه‌بنانی ماهانی کرمانی مشهور به شاه نعمت‌الله ولی (د. ۸۳۴ق) از صوفیان نامدار نیمه دوم سده هشتم و نیمه نخست سده نهم هجری است که پس از



مصحح آن را بر اساس نسخه خطی شماره ۱۴۵۸ (کتابت ۱۲۳۶ق) کتابخانه مرکزی دانشگاه استانبول (برگ های ۶-۷) تصحیح و منتشر نموده است.

#### - شرح القصيدة الروحانية، شمس الدین محمد السمرقندی (ص ۲۰۳-۲۲۶)

شمس الدین محمد سمرقندی، فیلسوف، ریاضیدان، ستاره شناس و منطقی شهر نیمه دوم سده هفتم و نیمه نخست سده هشتم هجری (د. ۷۲۲ق) است که بنا به تصریح کتابشناسان و تراجم نویسندگان، کارنامه علمی وی آثار متعددی در علوم و فنون مختلف مشاهده می شود. مصحح محترم در مقدمه خویش (ص ۲۰۷-۲۱۰) گزارشی از تألیفات سمرقندی آورده است. از جمله تألیفات منظوم سمرقندی، قصیده قافیه او با عنوان القصيدة الروحانية است که درباره نفس، و به پیروی از قصیده عینیه ابن سینا در بیست بیت، در بحر کامل سروده شده است. مصحح برای اینکه ابیات ابن سینا با ابیات سمرقندی، برای خواننده جهت مقایسه در دسترس بوده باشد، در مقدمه خود (ص ۲۱۰-۲۱۲) هم متن ابیات ابن سینا و هم گزارشی از محتوای آن به دست داده است. باید دانست شارح ناشناس قصیده مورد گفتگو نیز - که بر پایه عبارات آغازین شرح، بایستی معاصر سمرقندی بوده باشد - فردی دانشمند است که اثری با عنوان الصحائف والأثورانیز دارد. وی در همین شرح که در بیست بند شرح گردیده، در شرح بیت ۱۱، به مناسبت ضمن بیان خلقت آسمان ها و زمین، درباره «تاریخ علم»، اهمیت دارد. مستند تصحیح رساله حاضر، نسخه خطی شماره ۴۰۷۲ کتابخانه ایاصوفیا در استانبول بوده است. ناگفته نماند در مجموعه دیگر مصحح محترم که با عنوان بیست متن فلسفی - عرفانی به پاریس و نازی (اوپسالا، ۲۰۱۱) معرفی خواهد شد، نسخه ای دستنویس از یک معارضه دیگر برای قصیده نفس ابن سینا از جبریل فرحات به دست مصحح محترم رسیده است که بخشی از آن را مصحح برای محققان در آن مجموعه (ص ۲۰۲)، منتشر کرده است.

#### - رسالة فی الفتوة، کمال الدین عبدالرزق الکاشانی (ص ۲۲۷-۲۳۴)

ابوالغنائم عبدالرزاق کاشانی (د. ۷۳۶ق)، از بزرگان صوفیه و مشایخ طریقه سهروردیه است. در منابع کتابشناختی تألیفاتی چند برای وی ثبت نموده اند که از آن جمله می توان به آثار عربی وی با عناوین شرح فصوص الحکم، شرح منازل السائرین، اصطلاحات الصوفیه، تحفة الإخوان فی خصائص الفتیان، رسالة الفتوة (مورد گفتگو) و فتوت نامه به فارسی اشاره نمود. مستند رسالة الفتوة نسخه شماره ۴۸۷۵ کتابخانه ایاصوفیا در استانبول است که در واقع مجموعه ای نفیس (با کتابت ۷۵۴ق) مشتمل بر برخی رسایل کاشانی و دیگران می باشد که مصحح محترم

مصحح محترم برمی آید که اصل این اثر به فارسی بوده است که فردی ناشناس آن را تعریب کرده است. مؤلف در مقدمه اثر خود می گوید:

«بدان که تصوف پاکیزه کردن دل است از دوستی غیرحق عز و جل و آراستن آن است به سنت های ختم پیغمبران محمد رسول الله صلی الله علیه و سلم. اکنون بدان که اهل تصوف برگزیدگان حضرت خداوند عز و جل و روندگان راه مصطفی اند صلی الله علیه و سلم؛ مگر در زمان ما که ایشان دوازده فریق گشته اند؛ یازده فریق که در راه بدعت و ضلالت می روند، نام های ایشان این است: حبیبیه، اولیائیه، شمراخیه، اباحیه، حالیه، حلولیه، حوریه، واقفیه، متجاهلیه، متکاسلیه و الهامیه.»

مؤلف سپس یک به یک به اعتقادات این فرقه ها اشاره می نماید. نسفی در پایان این رساله موجز، به ویژگی های فرقه حقه صوفیه (= مذهب اهل حق) پرداخته، می نویسد:

اما مذهب این فریق که بر حقتند، این است که ایشان متابعت کنند سنت های رسول را علیه السلام و فریضه ها را در وقت بگزارند و از عشرت و رقص و سماع و شرب و شاهد احتراز کنند و به کسب مشغول باشند. زندگانی و صحبت با اهل سنت و جماعت دارند؛ از لقمه حرام پرهیز کنند و از صحبت بدان بگریزند و در میان خلق خود را با ایشان مانند کنند و بار خلق کشند و بر کسی بار خود نهند و اگر خلق ایشان را شناسند، گریزان باشند و بر مسلمانان شفقت کنند و با ایشان مدارا و مواسات کنند و گناهان ایشان را از خدای تعالی عفو خواهند. مسلمانان را غیبت نکنند و آرایش دنیا را نجویند و سیرت نیکمردان و صالحان و صحابه و تابعین روند.

همو در ادامه آورده است:

«بدان این قوم بر حقتند و دوستی ایشان دوستی خدای عز و جل و رسول علیه السلام است... چون از حال متصوفه معلوم کردی باید که آن فریق را که بر حقتند، تعظیم و متابعت کنی و با ایشان مدام صحبت داری و از آن یازده فریق دیگر که اهل ضلالت و بدعتند، پرهیز کنی و در اهانت ایشان سعی بلیغ نمایی...»

گفتنی است این دو متن، بر اساس دو دستنویس متأخر، یکی نسخه فارسی کتابخانه دانشگاه اوپسالا به شماره Onov ۴۰۴ و دیگری نسخه عربی کتابخانه بلدیة اسکندریه در مصر، تصحیح گردیده است و در دو بخش مجزا در این مجموعه نفیس، به چاپ رسیده است.

#### - تفسیر آیه النور، شیخ الرئیس ابن سینا (ص ۱۹۵-۲۰۲)

از جمله رساله های موجز ابن سینا تفسیر آیه النور از سوره نور است که

ب) **المسارعة إلى المصارعة**: رساله‌ای است درباره کشتی گرفتن پیامبر (ص) با رکانه! بعد احادیثی در کشتی گرفتن بعضی از اصحاب با جنّ و شیطان و در پایان نیز دو حدیث در کشتی گرفتن و زورمندی معاویه! مصحح ذیل آن اثر، همچنین در عباراتی انتقادی می نویسد:

گمان نمی‌کردم سیوطی هم بتواند مطالبی به این جفنگی به نام حدیث گردآوری کند! در حقیقت این کتاب را نمی‌توان کتاب حدیث شمرد، بلکه نوعی افسانه یا داستان است که از قصه‌گویان و این قصه‌گویان در لباس حدیث بافان در این رساله ظاهر می‌شوند و داستان‌هاشان را سیوطی گردآوری کرده است؛ بنابراین رساله حاضر از نظر حدیثی ارزشی ندارد، اما از نظر داستان و افسانه و از نظر بررسی تاریخ و چگونگی جعل حدیث، خود رساله جالبی است!

ج) **الظفر بقلم الظفر (مقدمة لطيفة في تقليم الأظفار)**، رساله‌ای در باب ناخن گرفتن است.

- **إفادة الخبر بنصه في زيادة العمر ونقصه**، از جلال‌الدین سیوطی (ص ۲۶۳-۲۷۰)

رساله‌ای در طول عمر است که مانند رساله پیشین، مستند مصحح در تصحیح آن نسخه Ost. ۹۹ (برگ‌های ۵۶ ب - ۵۷ ب) کتابخانه دانشگاه اوسپالا بوده است.

- **الباحة في السباحة**، از جلال‌الدین سیوطی (ص ۲۷۱-۲۸۲) رساله‌ای در شناگری است که مانند دورساله پیشین مستند مصحح در تصحیح نسخه Ost. ۹۹ (برگ‌های ۵۸ الف - ۶۰ الف) کتابخانه دانشگاه اوسپالا بوده است. باید افزود مصحح در پایان تصحیحات این سه رساله، نوشتاری نسبتاً انتقادی با عنوان «چند کلمه‌ای درباره سیوطی» آورده است که ضمن آن علامه محمد باقر مجلسی (د. ۱۱۱۰ق) و جایگاه سیاسی او در صفویه با جایگاه اجتماعی جلال‌الدین سیوطی (د. ۹۱۱ق) مقایسه شده است که صرف نظر از تأیید یا عدم تأیید مطالب مذکور، به نظر می‌رسد، دست کم، نفس این مقایسه، امری مطلوب و شایسته تأمل باشد.

- **نسیم السحر في مدح من بشر وأنذر**، از مجدالدین بغدادی (ص ۲۸۳-۲۹۸)

گزارش تخمینی از شاعری ناشناس بر دیوان الوتریات مجدالدین ابوعبدالله بغدادی مشهور به وتری (د. ۶۶۲ق در بغداد) است. دیوان وتریات، مشتمل بر ۲۹ قصیده در مدح پیامبر (ص) است که به تعداد حروف الفبا و قوافی آنها نیز مرتب بر حسب حروف الفبا است؛ بدین معنی که قصیده اول با قافیه الف و بعدی با قافیه ب تا آخر و همچنین هر قصیده هم دارای ۲۱ بیت که نخستین حرف هر بیت همان حرف قافیه نیز هست. بنا به نوشته مصحح محترم: «شاعر در این دیوان، از

در مقدمه برای آگاهی پژوهشگران، به عناوین آن رسائل اشاره نموده است: «شرح کلام علی بن ابی طالب لکمیل بن زیاد عن الحقیقة»، [رساله] فی حقیقة الذات الالهية، [رساله] فی الفتوة، فصل فی الوجود، رساله فی المحبة و [رساله] فی القضاء والقدرة».

- **الأربعون حديثاً في طلب العلم وتعظيم العلماء**، دهقان غازی سمرقندی (ص ۲۳۵-۲۵۰)

از نویسنده رساله، محمد بن محمد بن محمد غازی سمرقندی مشهور به دهقان (د. پس از ۹۱۳ق) آگاهی بیشتری در دست نیست؛ جز اینکه در آغاز نسخه می‌گوید این رساله را زمانی (۹۱۳ق) نوشته است که کفار بر سمرقند مستولی بودند و شهر و پیرامون آن را ویران کردند و ساکنان شهر را زیر انواع عذاب گرفتند و زنان و فرزندانشان را اسیر کردند و ما از شهر گریخته، به کوه‌ها پناه جستیم. مصحح سپس از تاریخ مفصل ایران، اثر مرحوم اقبال آشتیانی حادثه تاریخی مذکور را ردیابی نموده، گزارشی از آن آورده است که همان حمله شیبیک خان به خراسان در سال ۹۱۳ق، سپس حمله شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۶هـ به خراسان و مرو و تعقیب از بکان بوده است؛ و مصحح محترم نتیجه می‌گیرد که مطالب مقدمه کتاب دهقان سمرقندی با حمله شیبیک خان به سمرقند در سال ۹۱۳هـ منطبق است. رساله مورد گفتگو، چهل حدیث اخلاقی نبوی است که البته بنا به نوشته مصحح «حد اقل بعضی از آنها یقیناً از پیامبر نیست. بعضی بیشتر به پندهای مذکور در کتب اخلاقی شبیه است». باید افزود مستند مصحح در تصحیح این رساله، نسخه خطی شماره ۱۹۶ Onov کتابخانه دانشگاه اوسپالا (تاریخ کتابت ۹۱۳ق به خط شیخ محمود بن محمد هروی) است.

- **فضل القيام بالسلطنة**، از جلال‌الدین سیوطی (ص ۲۵۱-۲۶۳)

رساله‌ای در سلطنت، مُلک داری و آداب حکومت است. مصحح در ادامه سلسله رسایل سیوطی (ص ۲۸۰) در خصوص کلمه «سلطان» توضیحی ارزنده داده‌اند که نشان می‌دهد در احادیثی موضوعه مانند «السلطان ظلّ الله فی الأرض»، کلمه‌ای که به معنی «دلیل، حجت، قهر و غلبه» در صدر اسلام بود، چطور بعدها برای کارسازی دستگاه سلاطین، این کلمه به «شاه» و «ملک» تغییر معنی داد. باید افزود مستند این رساله در تصحیح متن آن، نسخه خطی Ost. ۹۹ (برگ‌های ۵۴ الف - ۵۶ الف) کتابخانه دانشگاه اوسپالا بوده است. گفتنی است این نسخه، رسایل چندی دارد که در ادامه همین گفتار، به سه رساله منتشر شده آن خواهیم پرداخت؛ اما مصحح، جز سه رساله مطبوع در این کتاب نفیس، از سه رساله دیگر سیوطی در این مجموعه، گزارشی نیاورده که اشاره به بخش‌هایی از آن در این نوشتار کوتاه، خالی از لطف نیست.

الف) **تشنیف السمع بتعدد السبع**: در این رساله احادیثی گردآوری شده که عدد هفت در آنها آمده است.

مثنوی جمال و جمال که منظومه نفیس مورد گفتگوست. این مثنوی نفیس که به تعبیر استاد محدث «شاه نسخه» کتابخانه دانشگاه اوپسالا [به شماره Onov۲ دارای ۳۴ مجلس مینیاتور مکتب مغولی و ۱۱۰ برگ، با کتابت ۹۰۸ ق به خط نستعلیق عالی سلطان علی قاینی] و به گفته نسخه شناسان بین المللی، یکی از ده نسخه خطی نفیس موجود در جهان است، منظومه ای عاشقانه با مفاهیم عرفانی و صوفیانه است که ماجرای داستان دراز عشق شاهزاده ای به نام جمال با شاهزاده خانمی موسوم به جمال را حکایت می کند و استاد به تفصیل در اثر خویش به جزئیات آن پرداخته است (ص ۳۰۹-۳۱۲). ایشان همچنین گزارشی ارزشمند از محتوای ۳۴ مجلس نگاره نفیس به دست داده است (ص ۳۱۷-۳۳۳).



پایان سخن در معرفی کتاب ارزنده بیست متن فلسفی - عرفانی به پارسی و تازی، در آغاز کتاب، پس از شناسنامه کتاب (ص ۱)، تشکر از فرزند مصحح (جلال محدث) به سبب حل مشکلات رایانه ای در روند تصحیح (ص ۲) و فهرست متون (ص ۳) آمده است؛ سپس مصحح دانشمند اثر، استاد دکتر علی محدث در پیش گفتاری کوتاه، به معرفی دانشگاه اوپسالا و کتابخانه آن و همچنین نسخ خطی فارسی این گنجینه ارزشمند تراثی پرداخته است. ایشان ضمن وعده انتشار دفتر سوم همین مجموعه، مشتمل بر تصحیح چند رساله دیگر، همچنین وعده مجدد انتشار فهرست نسخه های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه اوپسالا در سوئد را نیز داده است. همان طور که پیشتر نیز اشاره شد، با اینکه قرار مصحح، در آغاز دفتر اول، بر این بود که این دفتر، تنها مشتمل بر «متون نثری» خواهد بود، می نویسند: «عهد کردم که دگر می نخورم در همه عمر مگر از امشب و فردا شب و شبهای دگر پیمان کرده بودم که مجموعه حاضر در برگیرنده حاضر در برگیرنده متون نثر باشد، اما پیمان شکستم و چند دفتر شعر نیز در آن گنجاندم. دلیل این کار در آغاز هر یک از آنها روشن گشته است.»

الفاظ و کلمات غریب دوری کرده، شعرش سهل و معنی آن زود یاب، لفظش شیرین و رایحه اش صوفیانه و لطیف است». مصحح سپس گزارشی از سه تخمیس دیگر این دیوان با برخی اصلاحات، به دست داده است (ص ۲۸۶-۲۸۷). همومی افزایش:

حدود هفت سال پیش (۱۹۹۸ م) کتابخانه دانشگاه اوپسالا نسخه خطی این کتاب را خریداری کرد (شماره Onov۷۴۳، ۶۱ برگ، با کتابت حدودی سده نهم هجری). از همان زمان پیوسته ... در اندیشه نشر آن بودم؛ زیرا نسخه زیبا و هنری و شعر نفیس و قدیمی بود؛ اما از آنجا که آغاز و انجام و بسیاری از برگ های نسخه افتاده است و نام کتاب و گوینده آن مشخص نبود، نیت مزبور جامه عمل نپوشید. تا آنکه سرانجام برای شناختن آن به جست و جوی در فهراس پرداختم. خوشبختانه نتیجه رضایت بخش بود و نام کتاب و گوینده به دست آمد، اما آرزوی من جامه عمل نپوشید؛ یعنی فراهم آوردن نسخه های دیگر از این اثر برای تصحیح ...؛ بنابراین مثل مشهور عربی «ما لایدرک کله لایترک کله» به شناساندن این نسخه پرداختم؛ باشد تا این نسخه نفیس در منظر ادیبان عرب قرار گیرد و یقین که این شعر پرشکوه روزی توسط ادیبی صاحب نظر منتشر خواهد شد!

باید افزود تصاویر رنگی هشت برگ از این نسخه نفیس (ص ۲۹۰-۲۹۷) در انجام این نوشتار درج شده است.



ضمیمه: مثنوی جلال و جمال، از امیر امین الدین نزل آبادی سبزواری (ص ۲۹۹-۳۳۳)

امیر امین الدین محمد نزل آبادی بیهقی سبزواری متخلص به امین، از شاعران و ادیبان شیعی نیمه نخست سده نهم هجری (د. حدود ۸۵۵ ق) است که تألیفات و آثاری به نظم و نثر با عناوین مثنوی بهرام و گل اندام، عذة الطالبین، مصباح القلوب (شمع و پروانه)، سلوة الطالبین (عقل و عشق)، فتح الفتوح، مناظرات با کاتبی و شهاب و



چرا چند نسل است که روشنفکران جوامع فارسی و عربی، متون ادبی گذشته را گورستان می‌شناسند؟ آیا ادبیات گذشته ما، همه گورستان است و مرگ؟ بسیاری از آنان که ادبیات حرفه و پیشه ایشان نیست، پاسخ می‌گویند «آری» ادبیات گذشته ما جز آن نیست! اما دست اندرکاران ادبیات و آشنایان به متون و دوران‌های گذشته ادبی با چنین نظری چندان موافق نیستند. در ادبیات گذشته «رگه زندگی» را نیز دیده‌اند و می‌شناسند. پس ای آشنایان به ادبیات و متون و تاریخ ادبیات! بیاییم و آن بخش از ادبیات و متون گذشته را به چاپ برسانیم که رایحه «زندگی» را به مشام زندگان و عاشقان «زندگی» می‌رساند.

#### - مناظره مست و فقیه و صوفی، سروده شاعری از نیمه دوره صفویه (ص ۹-۶۰)

بنا به نوشته مصحح دانشمند در مقدمه، مثنوی حاضر منظومه‌ای شیرین و ابتکاری، ریخته شاعری ایرانی و شیعی خوش ذوق ناشناس، اما مقیم (مهاجر به) هند است که تخمیناً آن را در نیمه دوره حاکمیت صفویه، یعنی پیرامون سال‌های ۹۵۰-۱۰۵۰ ق در ۸۶۵ بیت سروده است. مصحح احتمال داده است: «شخصیت شاعر در منظومه حاضر می‌تواند بر شاعری مثل غزالی مشهدی (د. ۹۸۰ ق) یا امثال او منطبق باشد»؛ اما بعلاّت دسترسی نداشتن به اشعار این شاعران، به گفته وی: «مصحح نتوانست برای یافتن شاعر بیش از این پیش رود». به نظر می‌رسد تأمل در زوایای این مناظره ارزشمند، به لحاظ تاریخی بتواند دورنمایی از نوع نگرش طوائف اجتماعی و سیاسی، به خصوص بین صوفیان و فقیهان جامعه متکثر هندوستان را فراروی پژوهشگران قرار دهد. باید دانست مصحح در مقدمه خود، درباره محتوای این مناظره (ص ۱۴-۱۶)، بحث مستوفایی با عنوان «درباره فقیه و صوفی» نموده که در خور بررسی است. وی در بخشی از عبارات آن می‌نویسد:

«هدف شاعر در منظومه حاضر به محاکمه کشیدن فقیه [= مجتهد حنفی] و صوفی [نوربخشی] است، و دو شخصیت دیگر را نیز به تبع [آن، به] زیر تیغ برده است: «قاضی و مفتی». در آخر کتاب که کیفر هر یک را تعیین می‌کند، خواننده به راحتی می‌تواند بداند که شاعر کدام یک از چهار شخص را تبه‌کارتر و شایسته کیفر سخت‌تری، می‌دیده است!

باید افزود مستند تصحیح اثر، تنها نسخه خطی شماره ۳۲۵ Persan کتابخانه ملی فرانسه در پاریس (کتابت ۱۰۷۰ ق) بوده است.

#### - مناظره آسمان و زمین، سروده حیرانی همدانی (ص ۶۱-۹۰)

مناظره‌ای تمثیلی - ادبی بین آسمان و زمین است که شاعری با

باید افزود: در صفحات پایانی کتاب، چند نمایه با عنوان کلی «فهرست‌ها» (ص ۳۳۵-۳۶۰) آمده است که شامل هفت نمایه: ۱. نمایه لغات و اصطلاحات (ص ۳۳۷-۳۴۰)؛ ۲. نمایه اشعار فارسی (ص ۳۴۱-۳۴۵)؛ ۳. نمایه اشعار عربی (ص ۳۴۶)؛ ۴. نمایه امثال (ص ۳۴۷)؛ ۵. نمایه اقوال و شطحات صوفیان (ص ۳۴۷)؛ ۶. نمایه کلمات صحابه و مشاهیر (ص ۳۴۸) و ۷. نمایه احادیث نبوی [ص] (ص ۳۴۹-۳۵۴) است.

فهرست منابع و مأخذ تصحیح نیز در صفحات ۳۵۵-۳۶۰ درج شده که در آن داده‌های کتاب شناختی حدود ۱۴۰ منبع و مصدر، به زبان‌های فارسی، عربی، ترکی (عثمانی)، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و سوئدی آمده که در تصحیح رساله‌های این مجموعه نفیس، مورد استفاده مصحح محترم قرار گرفته است. در بخش لاتین نیز، پس از درج سلسله انتشارات دانشگاه اوپسالا با عنوان چهل و یکمین مجلد (Vol. XLI) منتشر شده از سوی این ناشر (ص ۱)، شناسنامه اثر (ص ۳) و فهرست متون تصحیح‌شده در این مجموعه (ص ۵) آمده است. مصحح از پروفسور اولف گورانسون (Ulf Göranson)، رئیس کتابخانه، دکتر ویوه‌سا هالدین نوربرگ (Viveca Haldin Norberg)، رئیس دپارتمان نسخ خطی و موسیقی کتابخانه دانشگاه اوپسالا و آقای پر سوله‌د رئیس گروه میراث فرهنگی کتابخانه دانشگاه اوپسالا (ص ۷) قدردانی و تشکر نموده است و همچنین همو قدردانی ویژه‌ای نیز از دوست فاضل و دانشمند خود یوزفسون (Judith Josephson) نموده است که در برگردان زبان انگلیسی مقدمه اثر، مصحح را یاری رسانده است. باید افزود مقدمه مصحح به انگلیسی (۹ pp-۲۲) که در سال ۲۰۰۵ م نگارش یافته است، حاوی گزارشی از کتابخانه دانشگاه اوپسالا و مجموعه دستنویس‌های آن و همچنین چکیده‌ای از بیست متن فلسفی و عرفانی منتشر شده در این اثر است که به گزارشی عالمانه از نسخه نفیس و هنری مثنوی جلال و جمال ختم گشته است.

□ □ □

#### - مناظره مست و فقیه و صوفی همراه با شانزده متن نظم و نثر دیگر در مناظره، وحدت وجود و غیر آن؛ تدوین، تصحیح و توضیح: علی محدث؛ سوئد: انتشارات دانشگاه اوپسالا، ۱۴۰۴، ص ۲۰۱۱، وزیری.

در این اثر هفده متن ادبی و عرفانی به زبان‌های فارسی (۱۴ متن) و عربی (۳ متن) به نظم و نثر همراه با مقدمه، توضیح و تصحیح استاد دکتر علی محدث، در این مجموعه، با قالبی نفیس به چاپ رسیده است. مصحح محترم در مقدمه اثر، خطاب به علاقه‌مندان ادبیات و آشنایان متون و تاریخ ادبیات، سؤال و جوابی لطیف مطرح ساخته که شایسته توجه و بررسی است:

- خطبه کتاب میخانه، انشای نظام‌الدین احمد همت‌خانی  
(ص ۱۷۳-۱۸۶)

میرنظام‌الدین احمد بن خُسام‌الدین قادری مشهور به «همت‌خانی» (د. پس از ۱۰۸۷ق) منشی میرعیسی (همت‌خان) بن ضیا‌الدین حسین (اسلام‌خان) بدخشی متخلص به «میرن» (د. ۱۰۹۲ق)، از امرای اورنگ‌زیب عالمگیر (حک- ۱۰۶۸-۱۱۱۸ق) است. همت‌خان بدخشی، تألیفی ادبی با نام میخانه داشته است که در تذکره‌ها به خمخانه شهرت یافته است و در آن نزدیک به ۱۲۰ ساقی‌نامه مندرج بوده است و تألیف آن حدود ۱۰۸۷ق یعنی پنجاه سال پس از نگارش میخانه عبدالنبی قزوینی، صورت پذیرفته است که هفتاد ساقی‌نامه داشته است. بنا بر تصریح و تتبع مصحح محترم، شوربختانه، نسخه‌ای از اصل آن اثر در کتابخانه‌ها یافت نشده است، جز خطبه و دیباچه آن که با نثری منشیانه، موزون و مسجع به خامه نظام‌الدین احمد منشی همت‌خانی نگارش یافته و در آن انواع صناعات ادبی در قالب سبک هندی (عبارات و جملات بلند) به کار گرفته شده است. این دیباچه، در حقیقت تقریظی (و نه مقدمه) بر میخانه همت‌خان است. این رساله از چهاربخش تشکیل شده است: تحمید خداوند، نعت پیامبر (ص)، ثنای اورنگ‌زیب و ستایش همت‌خان و میخانه تألیف او. باید افزود: مستند مصحح محترم در تصحیح این دیباچه، دستنویس شماره ONov537 موجود در کتابخانه دانشگاه اویسالا بوده است.

- قواعد خط نستعلیق، از میرعلی تبریزی (ص ۱۸۷-۱۹۲)  
میرعلی سلطانی تبریزی (د. ۸۵۰ق)، ادیب، شاعر و خوشنویس نامدار دوره تیمور و شاهرخ میرزا بوده است. باید دانست میرعلی سلطانی از استادان برجسته خط نستعلیق (عروس خطوط اسلامی) است و البته پیش از وی نیز این متداول بوده است؛ اما از آنجا که وی این خط را به کمال رسانده، در مصادر، وی را مخترع و مبتکر خط نستعلیق شمرده‌اند. مرحوم بیانی در احوال و آثار خوشنویسان (ج ۱-۲، ص ۴۴۱-۴۴۶) به تفصیل از نمونه‌های خطی وی سخن گفته است. باید افزود: رساله مورد گفتگو، اثری کوتاه از میرعلی در خط نستعلیق و قواعد آن خط است که بر اساس تنها نسخه خطی شماره ONov534 کتابخانه دانشگاه اویسالا، تصحیح شده و در این مجموعه به چاپ رسیده است.

- در تعریف حمّام، انشای محمدخلیل مکرم‌خانی  
(ص ۱۹۳-۲۰۲)

در باره نگارنده این رساله ادبی که به سبک منشیانه تحریر گردیده، مصحح محترم حدس زده‌اند وی بایستی محمدخلیل منشی مکرم‌خان (زنده ۱۱۰۸ق) بوده باشد که همزمان با ساخت حمامی باشکوه از سوی مکرم‌خان، هم‌اواز وی خواسته است رساله‌ای در وصف آن حمّام پردازد. مستند این تصحیح، نسخه خطی شماره

اصالت قمی، مشهور به حیرانی همدانی (د. ۹۰۳ق) در ۴۷۵ بیت به سال ۸۸۴ق در قالب مثنوی سروده است و به سلطان یعقوب آق قویونلو (حک- ۸۸۴-۸۹۶ق) در تبریز تقدیم کرده است. بنا به گفته استاد محدث، پیش از حیرانی نمونه‌های دیگری از «مناظره آسمان و زمین» سراغ داریم که نمونه‌اش از شاعری گمنام است که منتخبی از آن نیز در سفینه تبریز (نسخه کتابخانه مجلس با کتابت ۷۲۱ق به خط ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی) آمده است. باید افزود: این اثر بر اساس نسخه خطی شماره Persan 349 کتابخانه ملی فرانسه در پاریس (کتابت ۹۰۲ق در زمان حیات شاعر)، تصحیح گردیده و در این مجموعه، منتشر شده است.

- مناظره عقل و بخت و دولت (گلشن لطافت)، سروده ساغرچی سمرقندی (ص ۹۱-۱۴۱)

میرزا قاسم ساغرچی سمرقندی متخلص به منشی و انشایی (د. ۱۰۰۵ق)، از شاعران و منشیان دربار عبدالله خان والی سمرقند بوده است که بنا به نوشته تذکره‌نویسان، قصاید و غزلیات نیکویی به فارسی و ترکی سروده است که از آن جمله، داستان خسرو و شیرین و گلشن لطافت (مورد گفتگو) می‌باشد. گلشن لطافت، در واقع داستان مناظره‌ای رمزی بین عقل، بخت و دولت در سرگذشت بخشی از زندگی اسف‌انگیز خود شاعر در افول قدرت و تاراج اموالش است که در آن به صراحت اظهار می‌دارد: «عقل است که سرنوشت انسان را رقم می‌زند، نه افول بخت و هیبوط دولت». باید افزود: شاعر، این منظومه فارسی ۹۳۲ بیتی را طی یک هفته سروده است. تاریخ دقیق سرایش آن دانسته نیست، اما بایستی آن را در زمان حکمرانی جوانمرد علی‌خان شیبانی در سمرقند (حک- ۹۷۹-۹۸۶ق) سروده شده باشد. مستند این تصحیح نسخه خطی شماره ۱۰۳۶ (۴۱ برگ) کتابخانه بودلیان در آکسفورد - انگلستان بوده است که تاریخ کتابت آن به طور تخمینی ۱۱۰۰ق می‌باشد.

- مناظره روز و شب، انشای منیر لاهوری (ص ۱۴۲-۱۵۴)  
- مناظره سیف و قلم، انشای منیر لاهوری (ص ۱۵۵-۱۷۲)

ابوالبرکات منیر بن عبدالحمید ملتانی لاهوری (د. ۱۰۵۴ق)، در عصر خویش از بزرگ‌ترین نویسندگان و شاعران پارسی‌سرای شبه‌قاره بوده است که آثار متعددی از خود برجای نهاده است. ساقی‌نامه، دوازده مثنوی، دو مناظره منشور «روز و شب» و «سیف و قلم» از جمله آثار منظوم و منشور اوست. مصحح محترم، تصحیح و انتشار مناظره روز و شب را با چاپ رقعہ جالبی با عنوان رقعہ درخواست شمشیر از تواب سیف خان انشای منیر لاهوری (ص ۱۴۷) آغاز نموده است. مستند مصحح در تصحیح این دو مناظره ادبی، تنها نسخه خطی شماره ONov534 کتابخانه دانشگاه اویسالا بوده است که به خط سید محمد بن عبدالوهاب حسینی در سال ۱۱۱۴ق در شبه‌قاره کتابت شده است.

ONov534 کتابخانه دانشگاه اوپسالا است.

- شکوه از فرمان منع شرابخواری، انشای نصیرای همدانی (ص ۲۰۳-۲۰۸)

- رقعہ ای در طلب آب، انشای نصیرای همدانی (ص ۲۰۹-۲۱۲)  
خواجه نصیربن خواجه محمود بروجردی همدانی، مشهور به «نصیرا» (د. ۱۰۳۰ق) از شاعران شهیر سده یازده هجری است. در این بخش دو رقعہ از وی، یکی در باب قدغن کردن شرابخواری از سوی شاه عباس اول صفوی (د. ۱۰۳۸ق) است که وی در آن از این اقدام، لب به شکوه و شکایت گشاده است؛ چنان که در پایان رقعہ خویش می گوید:

باشد ای دل که می‌کده‌ها بگشایند  
گره از کار فرو بسته ما بگشایند!

انشای دوم نیز رقعہ ای در طلب آب به سبب باغ یاسمن زار است که نصیرا آن را به میرزا، یعنی وزیر اصفهانی نوشته است و البته این رقعہ لطیف اثر خود را بخشید و وزیر اصفهانی در آخر آن نوشته است: «به چشم، آب دهم». باید افزود: مستند این دو رقعہ موجز، نسخه خطی شماره ONov534 کتابخانه دانشگاه اوپسالا است که مصحح دانشمند، آن را تصحیح کرده و در این مجموعه نفیس به چاپ رسانده است.

- در صفت تنباکو و حقہ، انشای صائب تبریزی (ص ۲۱۳-۲۲۰)  
میرزا محمدعلی بن عبدالرحیم تبریزی اصفهانی، متخلص به «صائب» (د. ۱۰۸۱ق)، از شاعران نامدار عهد صفوی و از مشاهیر سرایندگان سبک هندی است. از جمله آثار صائب، رقعہ ای است در صفت تنباکو و حقہ (مورد گفتگو) است که در آن از نوشیدن شراب دست کشیده، به قلیان و دود آن روی آورده است:

شستم لب پیاله ز حرف شراب تلخ  
کردم به دود تلخ قناعت ز آب تلخ

آنگونه که از آغاز رساله نیز دانسته می شود، این ادبار به شراب و اقبال به قلیان، نه از سر توبه یا انگیزه دینی، بلکه گویا به علت تجویز پزشکان بوده است! باید دانست: مستند مصحح محترم در تصحیح این رساله موجز، تنها نسخه خطی شماره ONov534 کتابخانه دانشگاه اوپسالا بوده است.

- مکاتبه منظوم منورخان و جانی خان، انشای دولتمردان هندی (ص ۲۲۱-۲۳۰)

مکاتبه ای منظوم مشتمل بر پنج رقعہ یا مکتوب منظوم درباره طغیان رودخانه ای بین منورخان (سه رقعہ) و جانی خان (دو رقعہ)، از دولتمردان هند در سده یازده هجری است که مجموعاً در ۷۶ بیت، مشتمل بر ۱۹ بیت از منورخان و ۵۷ بیت از جانی خان که توسط

منشی او، اسعدی مشهور به شیخ سعدالله سروده شده است. مستند مصحح در تصحیح این مکتوبات نیز، مانند چند رساله پیشین، نسخه شماره ONov534 کتابخانه دانشگاه اوپسالا بوده است.

- شهر آشوب سروده شاعران گوناگون (ص ۲۳۱-۲۳۸)

شهر آشوب به نوعی شعر می گویند که در توصیف پیشه وران یک شهر و تعریف حرفه و صنعت ایشان سروده شده باشد. بر اساس نسخه خطی شماره ONov534 کتابخانه دانشگاه اوپسالا، مصحح ابیاتی در شهر آشوب از شاعران مختلف تصحیح کرده و در این مجموعه ادبی نفیس به چاپ رسانده است. باید افزود: در ادامه همین نوشتار (ص ۲۳۹-۲۴۲) ابیات لطیف دیگری نیز برای استفاده اهل ادب، درج شده است.

- رساله ای در تعلیم و تربیت، تألیف ادیبی هندی (ص ۲۴۳-۲۵۰)

رساله ای در اخلاق و حکمت عملی است که نویسنده ناشناس، در آن، طرز زندگی و نوع تربیت فرزندان ایشان و دیگر عرصه های اخلاقی و تربیتی مسلمانان هند را از قرن یازدهم هجری نشان داده است. نویسنده که خود ادیبی هندی و منشی بوده است، وظایف و تکالیف فرزند را در اوقات شبانه روز ترسیم کرده، از رفتن به مدرسه، سبق گرفتن، خور و خواب، بیداری و نماز، مشق خط و مشق سپاهیگری و زور بازو و ورزش تا تیراندازی و شناگری و هر آنچه از نکته های اخلاقی و تربیتی که فرزند باید انجام دهد تا شخصی مفید در جامعه بشود، در این رساله، به قلم آورده است. مستند این رساله نیز نسخه خطی شماره ONov534 کتابخانه دانشگاه اوپسالا بوده است.

- تائیه العارف محیی الدین ابن عربی (ص ۲۶۷-۳۲۶)

مصحح دانشمند، پیش از ورود به مبحث سه منظومه تائیه ذیل - که جملگی به دنبال تائیه ابن فارض سروده شده است - مقدّمات بحث مفیدی درباره «وحدت وجود» و سیر تاریخ آثار منظوم مرتبط با آن، ایراد نموده است (ص ۲۵۳-۲۵۵). وی سپس به تفصیل با دقتی عالمانه «ابن فارض و تائیه او» را مورد مذاقه قرار داده است (ص ۲۵۶-۲۶۶). از جمله قصیده های مشهوری که در ادامه تائیه ابن فارض سروده شده است، قصیده تائیه ابن عربی است؛ گرچه فصوص الحکم او نیز در اثبات همین نظریه «وحدت وجود» نگارش یافته است. این منظومه، بر اساس دو نسخه خطی، یکی دستنویس شماره ۷۹۵۳ کتابخانه ملی تونس (مبنای کار تصحیح از آغاز تا بیت ۳۵۸ تائیه) و دیگری دستنویس کتابخانه شرقی آکادمی لوگدو نو - باتافیا در لیدن (مبنای کار تصحیح از بیت ۳۵۹ تا آخر تائیه) بوده است. باید افزود: عناوین ابواب هجده گانه تائیه ابن عربی برای آشنایی پژوهشگران موضوع تصوف و عرفان، عبارت است از: ۱. فی التوحید (۳۳ بیت)؛



۲. فی خلق آدم (۱۹ بیت)؛ ۳. فی ذکر نوح والرسل بعده (۱۳ بیت)؛  
۴. فی ذکر ابراهیم والأنبیاء من بعده (۱۴ بیت)؛ ۵. فی ذکر موسی و  
عجائب أحواله (۵۶ بیت)؛ ۶. فی ذکر عیسی بن مریم (۱۰ بیت)؛ ۷. فی  
ذکر محمّد و أنه أعطی لواء الحمد (۲۱ بیت)؛ ۸. فی تعمیم الوحدة  
إلى عالم الحيوان والنبات (۱۳ بیت)؛ ۹. فی ذکر الخمرة (۵۶ بیت)؛  
۱۰. فی تجدید الإیمان والاستغاثة بالرحمن (۱۶ بیت)؛ ۱۱. فی الترغیب  
إلى تهذیب النفس والرياضة (۵۹ بیت)؛ ۱۲. فی ذکر الصلاة (۱۰  
بیت)؛ ۱۳. فی ذکر الحجّ والعمرة (۷ بیت)؛ ۱۴. مخاطباً روضة رسول  
الله ص (۱۶ بیت)؛ ۱۵. فی ذکر الزکاة (۱۵ بیت)؛ ۱۶. فی ذکر الجهاد  
والموت (۸ بیت)؛ ۱۷. فی عجائب أحوال النفس (۳۲ بیت)؛ ۱۸.  
فی التحریض على تطهیر القلب وتحصیل إکسیر الحیاة (۳۸ بیت).

### - تائیه الحکیم عامر بن عامر البصری (ص ۳۲۷-۴۳۶)

حکیم عزالدین ابوالفضل عامر بن عامر بصری، مشهور به اوشیدر (د.  
حدود سال های ۷۱۲-۷۱۵ ق)، از دانشمندان اسماعیلی مذهب نیمه  
دوم سده هفتم و سال های نخست نیمه سده هشتم هجری است.  
مصحح محترم در مقدمه تائیه ۷۶۱ بیتی (در ۱۳ باب) عامر بصری  
که در سال ۷۰۰ ق در برابر تائیه ابن فارض سروده شده است، تحقیق  
جامع، ارزنده و مستوفایی از زندگی، احوال، آثار و افکار وی به دست  
داده که در خور بررسی دقیق و توجّه عمیق است و البته از آنجا که وی  
سال ها مقیم شهر سیواس در ترکیه امروزی بوده است، شاید بررسی  
ایات تائیه عامر بصری بتواند بخش هایی از حلقه مفقوده تأثیر پذیری  
علویان ترکیه - به خصوص علویان شهر سیواس - از اسماعیلیه  
را تبیین و کامل نماید. نباید از نظر دور داشت که کسانی همچون  
شهید قاضی نورالله تستری، عامر بصری را از ادبای شیعه اثناعشری  
پنداشته اند و به تئمن دوازده باب، آن را به عدد ائمه اثناعشر (ع)  
و فصول رابه «نور» نامیده و کل قصیده تائیه عامر را به ذات الأنوار  
موسوم ساخته اند؛ اما بخش سیزدهم را «لمعه» نام گذاشته اند (در  
نسخه مرعی ۱۳ اشاره). استاد محدث در این باره می نویسد:

«برداشت نهایی راقم این سطور بر اساس نسخه وین، آن  
است که شاعر خود کتاب را به سیزده بخش تقسیم کرده  
و هر بخش را اشاره نامیده است و نام خاصی برای قصیده  
نگذاشته، بلکه آن را در برابر قصیده فارضیه، قصیده عامریه  
خوانده است؛ [اما] بعداً ادبای شیعه که پنداشته اند عامر  
[شیعه] اثناعشری است، تغییرات یاد شده را در نام فصول و  
نام کتاب ایجاد کرده اند.»

عناوین سیزده «اشاره» این تائیه چنین است: ۱. فی التوحید (۱۰۹  
بیت)؛ ۲. فی معرفة الروح (۲۳ بیت)؛ ۳. معرفة النفس الناطقة (۶  
بیت)؛ ۴. القول فی الهیولی (۱۴ بیت)؛ ۵. تعریف رموز المعجزات

مصحح دانشمند این منظومه نفیس، در مقدمه خویش درباره  
شخصیت عامر بصری و تائیه وی در چند موضوع مستقل پرداخته  
است که عناوین آنها عبارت است از: عامر بصری (ص ۳۲۹-۳۳۴)؛  
معنی اوشیدر (ص ۳۳۵)؛ سال تألیف تائیه و تاریخ مرگ مؤلف

(ص ۳۳۶)؛ اشاره ای به

اوضاع سیاسی و اجتماعی

(ص ۳۳۷-۳۴۰)؛ عامر بصری

اسماعیلی مذهب بوده است

(ص ۳۴۰-۳۴۵)؛ عامر بصری

واجب القتل و مهدورالدم

(ص ۳۴۵-۳۴۶)؛ شرباخواری

در بین مسلمانان (ص ۳۴۶-۳۴۹)؛

آیا عامر بصری شراب

می نوشیده است؟ (ص ۳۴۹-۳۵۰)

؛ فلسفه اوشیدر

(ص ۳۵۰-۳۵۱)؛ تصوّف

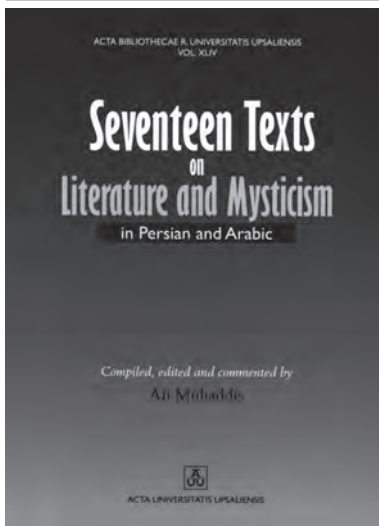
اوشیدر (ص ۳۵۲-۳۵۶)؛

بلاغت اوشیدر (ص ۳۵۶-۳۶۰)

۳۶۰)؛ مقایسه ای بین تائیه اوشیدر و تائیه ابن فارض (ص ۳۶۰-۳۶۴).

همودر پایان تائیه (ص ۴۳۲-۴۳۴) مدخلی با عنوان «ایضاحات»  
باز نموده، به شرح و بسط سه مطلب «الأغیار» (بیت ۲)، «قصة ردّ  
الشمس» (بیت ۱۸۸) و «التناسخ» (بیت ۲۱۳) پرداخته است.  
مصحح محترم همچنین در ادامه، اشاره ای نیز به نسخه های مورد  
استناد خود دارد و درباره دستنویس شماره ۴۸۱ کتابخانه ملی اتریش  
در وین می نویسد:

«نسخه وین، شاه نسخه ای است پری پیکری، مهوشی، لعبتی  
است؛ چنین نسخه ای کمتر نصیب پژوهشگران می شود. لب  
بر لب آن نهادم و سراپای آن را غرق بوسه کردم و کام خویش  
را از آن برگرفتم؛ چنین نسخه ای نور چشم را افزون و اندوه دل  
را بیرون می کند. ناز شست کاتب آنکه چنین فرشته ای آراسته  
است! به خط تعلیق پخته جلی شیوای زیبا... این نسخه را در  
شعبان ۷۱۵ ق با اصل مقابله کرده اند... نسخه ای است عزیز



و قابل اعتماد... نویسنده هر که بوده از نزدیکان و علاقه مند شاعر، و خود ادیب و صوفی بوده است».

باید دانست دو مستند دیگر مصحح در تصحیح این چکامه، که وی از آن به شاهکار اندیشه و شعر و هنر یاد نموده - یکی نسخه موزه بریتانیا در لندن (با نام ذات الأنوار) و دیگری نسخه شماره ۴/۱۱۵۲۸ کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در قم بوده است که به هر حال نسخه اساس ایشان در تصحیح، نسخه کتابخانه ملی اتریش بوده است. گفتنی است این اثر را پیشتر عبدالقادر مغربی (دمشق ۱۹۴۸م) بر اساس یک نسخه مغلو، دوم عارف تامر (۱۹۵۲م) و دیگری ایف مارکیه، همراه ترجمه و شرح فرانسوی آن بر اساس نسخه های وین، لیدن و برلین و نیز نسخه چاپی عبدالقادر مغربی در سال ۱۹۸۵م در پاریس، به چاپ رسانده اند. استاد محدث، در ادامه به تفصیل، درباره ضعف و کاستی های دو چاپ مغربی و مارکیه (صص ۳۶۷-۳۶۹ و ۴۳۵) و نیز سبب چاپ تائیه و روش تصحیح خود در این اثر (صص ۳۶۹-۳۷۱) سخن گفته است.

#### - تائیه المؤرخ ابن تغری بردی (صص ۴۳۷-۴۵۶)

جمال الدین ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی ظاهری، مشهور به «ابن تغری بردی» (د. ۸۱۵ق) از سپهسالاران

و حاکمان شامات و مصر است. کتاب المنهل الصافی و المستوفی بعد الوافی، کتاب النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، دیوان عرفانی السكر الفاضح العطر الفائح و نیز تائیه مورد گفتگو، از جمله آثار متعدد منثور و منظوم اوست. چکامه عرفانی ابن تغری بردی تقریباً دارای هزار بیت است که وی آن را در سال ۸۶۰ق در برابر تائیه ابن فارض، سروده است و استاد محدث نیز به دلایلی که اظهار داشته (صص ۴۳۹)، از چاپ کل قصیده منصرف شده و تنها گزیده ای از آن ابیات را شامل ۲۴۲ بیت همراه دیباچه منثور فصیح آن، تصحیح نموده و در این دفتر منتشر ساخته است. باید افزود: مصحح در مقدمه این اثر، ضمن درج شرح حال مختصر شاعر (صص ۴۳۸-۴۴۰)، به آرای عرفانی ابن تغری بردی (صص ۴۴۰-۴۴۲) می پردازد. همو در جایی از این بخش می نویسد: «... هدف او از سرودن این قصیده بیان "وحدت وجود" و نیز اغراض عرفانی است؛ شبیه تائیه ابن فارض. تبویب و بازگویی این افکار و اغراض خود تألیف جداگانه ای می طلبد... اما تنها نکته ای

که اینجا می خواهم گوشزد کنم این است که شاعر در این چکامه لب به گفتن «أنا الله» گشوده است (بیت ۴۳):

أنا الله أسقانی الشراب مطهراً  
فأبدیت مکنونی و ما فی سریرتی

... اصل وحدت وجود، اصلی است که از روزگاران کهن معتقد انبوهی از عرفا و صوفیان در جهان اسلام بوده است. در وادی وحدت، لب گشودن "أنا الله" امری عادی است و غرابتی ندارد؛ اما عرفای بزرگ و مشایخ سرد و گرم روزگار چشیده، هرگز در بین مردم و عامه لب به چنین سخنانی نگشوده و اسرار عرفان را حفظ می کرده و خود را بی جهت بر زبان طعن و سرزنش مردم نمی انداخته اند. اگر گاهی دیده می شود که کسی مثل حسین بن منصور حلاج به گفتن "أنا الحق" مشهور شده و در نتیجه به دار مجازات آویخته شده، باید آن را در مقوله ای در عالم سیاست محسوب داشت... [اما عجیب این است] در منابع دسترس خود نمی بینم کسی ابن تغری بردی را به سبب گفتن "أنا الله" تکفیر یا تخطئه کرده باشد؛ عجیب اینکه در همین منابع حتی کسی به صوفی بودن او یا اعتقاد داشتن او به تصوّف و وحدت تصریح یا حتی اشاره ای نکرده است! ناگفته نماند مستند تصحیح این منظومه، نسخه خطی شماره ۷۹۳۵ کتابخانه ملی تونس (کتابت ۹۶۷ق) بوده است.

پایان سخن در معرفی این دفتر اینکه: در آغاز کتاب، پس از برگگی، مشتمل بر فهرست آخرین انتشارات دانشگاه اوپسالا (تا سال ۲۰۱۱م)، نگارش اولف گورانسون (Ulf Göranson)، شناسنامه کتاب و نام اثر از باب تسمیه «مجازی کلّ به جزء» (ص ۱)، تشکر از فرزند مصحح (جلال محدث) به سبب حلّ مشکلات رایانه ای در روند تصحیح (ص ۲)، یادمان اثر: «طلوع این سفینه از افق اوپسالا است، اما در آسمان ادب پارسی و تازی نور خواهد افشاند...» (ص ۳) و فهرست هفده متن فارسی و عربی مندرج در این دفتر (ص ۵) آمده است، سپس مصحح دانشمند اثر، استاد دکتر علی محدث، در پیش گفتاری کوتاه، از ادب فارسی و متون کهن و دغدغه های تصحیح آنها، سخن گفته است.

باید افزود: در صفحات پایانی کتاب، چند نمایه با عنوان کلی «فهرست ها» (صص ۴۵۷-۴۹۴) آمده است که شامل دوازده نمایه: ۱. نمایه لغات (صص ۴۵۹-۴۷۰)؛ ۲. نمایه امثال و اصطلاحات فارسی (صص ۴۷۱)؛ ۳. نمایه آیات قرآن (صص ۴۷۲)؛ ۴. نمایه سخنان صوفیان (صص ۴۷۲)؛ ۵. نمایه احادیث (صص ۴۷۳)؛ ۶. نمایه امثال عربی (صص ۴۷۳)؛ ۷. نمایه اعلام (صص ۴۷۴-۴۷۸)؛ ۸. فهرس المفردات (صص ۴۷۹-۴۸۹)؛ ۹. فهرس الآیات (صص ۴۹۰-۴۹۲)؛ ۱۰. فهرس الأحادیث (صص ۴۹۲-۴۹۳)؛ ۱۱. فهرس الأمثال (صص ۴۹۳-۴۹۴)؛ ۱۲. عبارت آخری (صص ۴۹۴) است.



یافته و نیز کتاب‌های این گروه را دیده است، اکنون به یقین رسیده است که متون فارسی یا عربی که توسط این گروه چاپ می‌شود، غالباً از نظر علمی اعتماد بر انگیز نبوده و متولیات آنها فاقد بضاعت علمی در خور و شایسته‌اند، و این بدان علت است که این گروه در درجه اول عربی یا فارسی را درست نمی‌دانند و البته از خواندن خطوط فارسی و عربی ناتوانند. از شناخت نسخه و خط و ترجیح این بر آن و این گونه موارد عاجزند و این همه باعث می‌شود که محصول کارشان غالباً «غیر قابل اعتماد» از آب درمی‌آید؛ ترفندهای زیر در کارشان زیاد دیده می‌شود:

- بعضی دست به چاپ متونی می‌زنند که قبلاً حداقل یک بار چاپ شده باشد؛ یعنی بتوانند متن را از روی آن چاپ بخوانند و بفهمند؛ اگر نه، می‌کشند لاقلاً یکی دو نسخه خطی خیلی خوش خط مثل یک کتاب چاپی به چنگ آورند.

- از متنی که در نظر دارند به چاپ رسانند، ده پانزده نسخه خطی از جابلقا و جابلسا تهیه می‌کنند؛ نسخه‌ها را رده بندی، شاخه بندی، شجره بندی [نموده] و با تاریخچه ترسیم و نقاشی، جدول بندی می‌کنند، با ظاهری شیک و قبولاننده! همه اینها، اگر درست انجام شود، خوب و قابل ستایش، ولی محصول کار چیست؟ کلمات و جملاتی را که می‌فهمند، یا از روی چاپ سابق یا آن نسخه‌های بسیار خوش خط ای بسا جدید یا با تلفیق این و آن، همان‌ها را در متن قرار می‌دهند و آنها را که نمی‌فهمند به صورت نسخه بدل در هامش ردیف می‌کنند و این نسخه بدل‌ها ای بسا به گونه‌ای نادرست و به غیرروش علمی نقل شده است؛ به طوری که خواننده حق مطلب را به دست نمی‌آورد؛ تنها مطلبی که از این نسخه بدل‌ها به وضوح رخ می‌نماید، «حیرانی» مصحح است!

بر پژوهشگران جوان پارسی و عرب، فرض است که با متون فارسی و عربی چاپ شده توسط این زمره از - به اصطلاح - استادان، سخت محتاطانه برخورد کنند. نخست آن متن و حواشی را به دقت بخوانند و به محض آنکه از روی قراین کافی ناتوانی و حیرانی مصحح را شناختند، در صورتی که اصل متن ارزشمند و بدرد خور باشد، متن مزبور را از روی نسخه‌های خطی دوباره به روشی انتقادی و علمی تصحیح کنند تا میراث فرهنگی فارسی و عربی به صورت درستی به دست مردم برسد و آثار فرهنگی ما بیش از این توسط «آنان که نمی‌دانند» مُثله نشود.

فهرست منابع تصحیح نیز در صفحات «۴۹۵-۵۰۰» درج شده که در آن داده‌های کتابشناختی حدود ۱۳۰ منبع و مصدر، به زبان‌های فارسی و عربی آمده که در تصحیح رساله‌های این مجموعه نفیس، مورد استفاده مصحح محترم قرار گرفته است. باید توجه داشت این فهرست، افزون بر فهراس و منابع انگلیسی، فرانسوی، آلمانی و سوئدی است که در هامش صفحات این دفتر به مناسبت قید شده است. همچنین در ادامه (ص ۵۰۱-۵۰۴) پنج اثر استاد محدث - که انتشارات کتابخانه دانشگاه اوپسالا منتشر کرده است - به اختصار معرفی شده و گزارشی از محتوا و فهرست مطالب آنها آمده است. در بخش لاتین نیز، پس از درج سلسله انتشارات دانشگاه اوپسالا با عنوان چهل و چهارمین مجلد (Vol. XLIV) منتشر شده از سوی این ناشر (ص ۱)، شناسنامه اثر (ص ۳) و فهرست متون تصحیح شده در این مجموعه (ص ۵) آمده است. مصحح از پروفیسور اولف گورانسون (Ulf GÖranson)، رئیس کتابخانه، دکتر آندرس ادلینگ (Andres Edling)، رئیس دپارتمان نسخ خطی و موسیقی کتابخانه دانشگاه اوپسالا و آقای پرسوله (Per Cullhed) رئیس گروه میراث فرهنگی کتابخانه دانشگاه اوپسالا (ص ۷) قدردانی و تشکر نموده است و همچنین همو قدردانی ویژه‌ای نیز از دوست فاضل و دانشمند خود یودیث یوزفسون (Judith Josephson) نموده است که در برگردان انگلیسی مقدمه اثر، به مصحح یاری رسانده است. باید افزود: مقدمه مصحح به انگلیسی (۱۳-۹ pp) که در سال ۲۰۱۱م نگارش یافته است، حاوی گزارشی از کتابخانه دانشگاه اوپسالا و مجموعه دستنویس‌های آن و همچنین چکیده‌ای از هفده متن ادبی و عرفانی منتشر شده در این دفتر است که به معرفی یازده منبع انگلیسی، آلمانی، لاتینی و سوئدی (ص ۱۴) استفاده شده در تصحیح و مقدمه، ختم گشته است.

□ □ □

**توصیه استاد محدث به پژوهشگران جوان متون کهن**  
بیش از پنجاه رساله نفیس تصحیح شده در این سه دفتر، با توصیه‌ای نغز و عالمانه با عنوان «هشدار به پژوهشگران پارسی و عرب» در بیان نقاط ضعف نوع تصحیحات مغرب‌زمینیان، از سوی استاد محدث، بدرقه شده است که به عنوان حسن ختام این نوشتار، برای استفاده و عبرت محققان و دانشجویان جوان، درج می‌گردد:

«متون فارسی و عربی که توسط غربیان (اعم از اروپایی و امریکایی) تصحیح و چاپ می‌شود، باید سخت به دیده احتیاط و تردید بدانها نگریست و این هشدار خصوصاً خطاب به پژوهشگران جوان فارسی‌زبان و عرب‌زبان است. راقم سطور که بیست و اند سال است که در بلاد مختلف اروپا زندگی کرده و در این مدت با بسیاری از اروپاییان که دست‌اندرکار ادبیات فارسی و عربی هستند، آشنایی